

خوشبختی شکل ظاهری ایمان است؛ تا ایمان و امید و سختکوشی نباشد، هیچ کاری را نمی توان انجام داد.

www.mandegardaily.com

سال پنجم شماره یک هزار یکصد و سی و ششم: سه شنبه ۱۹ سنبله/شهریور ۱۳۹۲ * ۴ ذوالقعدة ۱۴۳۴ * ۱۰ سپتمبر ۲۰۱۳

گرامی داشت از کارنامه های قهرمان ملی در سراسر افغانستان



از دوازدهمین سالروز شهادت احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور، به گونه گسترده در سراسر افغانستان گرامی داشت به عمل آمد. مردم روز گذشته با برگزاری مراسم ختم قرآن کریم در سراسر کشور، به روح پر فتوح فرزانه مرد جهاد و مقاومت مردم افغانستان شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور اتحاف دعا کردند. شهروندان بلخ در مراسمی به مناسبت دوازدهمین سالروز شهادت قهرمان ملی، بر ایجاد وحدت ملی و عدالت ملی در کشور تأکید ورزیدند.

در این گردهمایی، شماری از نمایندگان مردم در مجلس و شورای ولایتی بلخ، مسولان ارگان های محلی بلخ، مقامات ارشد نظامی در شمال، نمایندگان سیاسی کشورهای...
ادامه صفحه ۶

استاد سیاف در مراسم گرامی داشت از دوازدهمین سالروز شهادت قهرمان ملی: صلح با مزدور ممکن نیست



صفحه ۶

معاون اول ریاست جمهوری:

گزینه غیر از انتخابات برای افغانستان زهر است

ناجیه نوری

معاون اول ریاست جمهوری افغانستان گفته است که هیچ بدیلی برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری وجود ندارد.

مارشال محمد قسیم فهیم در مراسم بزرگی که روز دوشنبه (۱۸ سنبله) به مناسبت دوازدهمین سالروز شهادت احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور در کابل برگزار شده بود، اطمینان داد که دولت افغانستان جلو هرگونه اختلال در انتخابات را خواهد گرفت.

مارشال فهیم گفت که همانطوری که در گذشته دیدیم، هیچ گروهی به تنهایی قادر به ایجاد نظام و حکومت در افغانستان نخواهد شد.

او گفت: «هرنوع برداشت دیگر، هر نوع فکر دیگر

به جز انتخابات برای مردم افغانستان زهر است و افغانستان دیگر به ماقبل خود بر نمی گردد و انتخابات صورت می گیرد».

مارشال فهیم افزود، خواست و آرزوی آمر صاحب شهید ایجاد یک نظام از طریق برگزاری انتخابات بود؛ بنابراین باید نظامی از طریق برگزاری انتخابات ایجاد شود که همه اقوام و مردم افغانستان در آن سهم باشند. او از تشکیل جریانها و ائتلاف های سیاسی جدید ستایش کرد و افزود، هر روز چند حزب هم نظر باهم ائتلاف می کنند و این اقدام یک پیروزی و موفقیت در راستای برگزاری انتخابات است.

به باور او، هر کس برای انتخاب شخص مورد نظر خود معیارهای دارد؛ اما به نظر من شخصی را باید انتخاب کنیم که اول مسلمان، دوم مجاهد و سوم



افغان باشد.

در همین حال، فضل هادی مسلمیار رییس مجلس سنا در این مراسم گفت، وضعیت فعلی ایجاب می کند که رهبران، مجاهدین و بزرگان ما با...
ادامه صفحه ۶

بازیکنان تیم ملی فوتبال:

پول انرژی و لباس خریدن را هم نداریم!



مالی جدی مواجه شده اند.

احمد آرش عاطفی بازیکن تیم ملی به رادیو آزادی گفت: «ما حتی پول خرید سیم کارت را نداریم. پول نداریم تا نوبت انرژی بخریم. پیش از رسیدن به نیپال لباس تمرین را نداشتیم. استادان ما از پول های کمی فامیل ها برای ما لباس خریدند.»

مربی تیم ملی فوتبال افغانستان از حکومت ناراض است. یوسف کارگر می گوید، که پیش از...
ادامه صفحه ۶

یک عضو پیشین مجلس سنا کشته شد



مسولان امنیتی در ولایت بلخ تأیید کردند که حاجی عبدالغنی یکی از سناتوران پیشین ولایت بلخ در مجلس سنا با یک محافظش کشته و ۱ محافظ دیگرش زخمی شدند.

عبدالرزاق قادری امر امنیت پولیس بلخ گفت: این رویداد حوالی ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر امروز (دیروز) در ساحه کمر بند بابا یادگار شهر مزارشریف اتفاق افتاده است.

امر امنیت فرماندهی پولیس بلخ با...
ادامه صفحه ۶

در برگ ها



اختطاف
مشکوک و
رهایی
مشکوک تر!

بخشنده ترین
سردار
در تاریخ
افغانستان



مسعود از
تولد
تا قهرمانی

پیروزی بی که
میلیون ها
افغان را غرق
شادی کرد



احمد عمران

اختطاف مشکوک و رهایی مشکوک تر!



فربیا کاکر عضو مجلس نماینده گان، نزدیک به یک ماه پیش هنگامی که از کابل به مقصد قندهار، زادگاهش، در حرکت بود، در نیمه های راه در حوالی شهر غزنی به گونه مرموزی از سوی افراد مسلح ربوده شد. بعداً گروه طالبان مسوولیت اختطاف خانم کاکر را به عهده گرفت و دو فرزندش را که در این سفر با او همراه بودند، رها کرد؛ ولی خانم کاکر همچنان در بند طالبان باقی ماند. طالبان برای رهایی خانم کاکر، خواستار رهایی شماری از افراد خود از زندان های کشور شده بودند. روز شنبه این هفته، خانم کاکر در حالی از بند طالبان رها شد که پرسش های زیادی را با خود به دنبال داشت. در آغاز این مقال باید تأکید کرد که نفس رهایی خانم کاکر که بدون هیچ آسیبی از بند مخالفان مسلح رها شده، یک امر میمون و مسرت بخش است و این که یک انسان از بند بی رحم ترین گروه تروریستی جان سالم به در برده و به آغوش گرم خانواده بازگشته، همه را غرق در شادی ساخته است؛ ولی نوع رهایی خانم کاکر پرسش هایی را به وجود آورده که می تواند مایه نگرانی باشد.

۱- زمانی که خانم کاکر از سوی طالبان ربوده شد، اعضای خانواده او نه تنها ربوده شدن او را تکذیب کردند، بل اظهار داشتند که این عضو مجلس نماینده گان به ترکیه سفر کرده است. شاید گفته شود که خانواده خانم کاکر به دلیل نگرانی و مصونیت بخشیدن به حیات او، چنین اظهاراتی را صورت داده اند؛ ولی در پاسخ می توان گفت که آنها بعداً نیز این اظهارات را رد نکردند.

۲- در مورد رهایی خانم کاکر، مقام های دولتی حرف های ضد و نقیضی مطرح کرده اند. وزارت داخله افغانستان مدعی است که این عضو مجلس را موفق شده در یک عملیات نظامی از چنگ طالبان رها کند؛ ولی برخی اعضای شورای ولایتی غزنی می گویند که هیچ گونه عملیات نظامی در ساحه ای که احتمال می رفت خانم کاکر آنجا نگاهداری شود، از سوی نیروهای امنیتی صورت نگرفته است. در همین حال، این اعضای شورای ولایتی مدعی اند که خانم کاکر در بدل رهایی شماری از زندانیان طالبان رها شده است. برخی گروه های جدا شده از طالبان که در حال حاضر در کابل به سر می برند نیز تأیید کرده اند که خانم کاکر پس از رهایی شماری از زندانیان طالبان، آزاد شده است. یک تن از رهبران این گروه ها در گفت و گو با رسانه های کشور، حتا نام های افراد رها شده طالبان را نیز می دانست، در عین حالی که گروه طالبان نیز مدعی است که خانم کاکر را در بدل رهایی شماری از افراد خود رها کرده است.

۳- چرا مقامات دولت افغانستان به گونه شفاف در این باره سخن نمی گویند و حتا از دادن اطلاعات دقیق در این خصوص خودداری می ورزند؟

۴- آوازه هایی وجود دارند مبنی بر این که ربوده شدن خانم کاکر، یک موضوع ساخته گی بوده و هیچ گونه ربوده شدن عمدی بی در کار نبوده است. اگر واقعاً چنین باشد، پس مسأله پیچیده تر از چیزی است که در حال حاضر پیرامون آن گفته می شود.

۵- این شایعات تا اکنون از سوی خانم کاکر و از سوی مقام های مسوول دولتی نه تأیید و نه رد شده اند. پس می توان نتیجه گرفت که ربوده شدن خانم کاکر حتما با مسایل سیاسی رابطه دارد و به همین دلیل، پنهان کاری های عمدی در این خصوص انجام می گیرد تا از روشن شدن این مسایل جلوگیری شود.

۶- رهایی طالبان به دلایل مختلف، همواره از سوی گروه حاکم بر کشور به بهانه های گوناگون

صورت گرفته و اگر در بدل رهایی خانم کاکر نیز این الطاف ملوکانه شامل حال طالبان شده باشد، زیاد هم دور از انتظار نمی نماید.

۷- آقای کرزی در رهایی طالبان یک رشته اهداف سیاسی را دنبال می کند. او تا به حال صدها زندانی طالب را به بهانه حسن نیت و آغاز گفت و گوهای صلح، از زندان های کشور رها کرده است؛ افرادی که عمدتاً به جنایات ضد بشری متهم بوده اند و عملاً در صحنه های جنگ و یا هم هنگام عملیات نظامی دستگیر شده بودند.

۸- رهایی افراد از بند رایبنده گان، امری خوشحال کننده است و نباید مسایل سیاسی را با مسایل انسانی خلط نمود. ولی ارگ نشینان به دلیل سوء سابقه در این مورد، در مظان اتهام قرار دارند و نمی توان چنین اقدام هایی را تنها

۱۰- رهایی طالبان در قضیه خانم کاکر - اگر واقعاً صحت داشته باشد - یک بار دیگر می تواند دغدغه های تازه ای را در خصوص زدوبندهای پنهانی ارگ با گروه های مخالف به وجود آورد؛ از جمله این که شاید در پس ماجرای ربوده شدن خانم کاکر، عملاً برنامه ای از قبل آماده شده وجود داشته و برای صحنه سازی، بحث اختطاف را به میان آورده باشند. به هر حال در این خصوص ابهام های زیادی بروز کرده و مقام های امنیتی و استخباراتی کشور وظیفه دارند که در ابهام زدایی، گام هایی را به جلو بردارند.

پنهان کاری در مسایلی که با سرنوشت جامعه می تواند رابطه داشته باشد، به هیچ صورت به نفع نظام نیست و زیان های آن می تواند گسترده تر و عمیق تر از آن چیزی باشد که

پنهان کاری در مسایلی که با سرنوشت جامعه می تواند رابطه داشته باشد، به

هیچ صورت به نفع نظام نیست و زیان های آن می تواند گسترده تر و عمیق تر از

آن چیزی باشد که ارگ نشینان برآورد کرده اند. در همین حال فراموش نکنیم که

رهایی طالبان در بدل گروهان گیری، می تواند به فرهنگ خطرناکی در جامعه منجر

شود و به جای این که گروه های آدم ربا و اختطاف گر را نسبت به فعالیت های شان

به تردید وادارد، عملاً زمینه ساز برنامه های دیگر در این مورد می گردد. فرهنگ

معاوضه، بدون تردید فرهنگ ضعف در برابر گروه های مخالف را به نمایش

می گذارد و دست این گروه ها را در انجام جنایات بزرگتر، باز می کند

ارگ نشینان برآورد کرده اند. در همین حال فراموش نکنیم که رهایی طالبان در بدل گروهان گیری، می تواند به فرهنگ خطرناکی در جامعه منجر شود و به جای این که گروه های آدم ربا و اختطاف گر را نسبت به فعالیت های شان به تردید وادارد، عملاً زمینه ساز برنامه های دیگر در این مورد می گردد. فرهنگ معاوضه، بدون تردید فرهنگ ضعف در برابر گروه های مخالف را به نمایش می گذارد و دست این گروه ها را در انجام جنایات بزرگتر، باز می کند.

به دغدغه های انسانی از سوی آنها مربوط دانست. اگر چنین می بود، باید آقای کرزی از مدت ها پیش تدابیر لازم را برای آزادی افراد از چنگ گروه های دهشت افکن اتخاذ می کرد.

۹- موضوع قابل تأمل که از سوی برخی آگاهان نیز به عنوان نقطه تاریک قضیه خانم کاکر مطرح شده این است که چرا خانم کاکر با توجه به وخامت وضع امنیتی شاهراه ها، برای رفتن به زادگاهش یعنی شهر قندهار، از موتر استفاده کرده؛ در حالی که می توانست به سادگی از راه هوا خود را به این شهر برساند؟

سخن ماندگار

مراسم گرامی داشت از قهرمان ملی و حاشیه های آن

مراسم نکوداشت یادواره دوازدهمین سالروز شهادت ملی کشور در حالی برگزار شد که هنوز علاقه و ارادت مردم ما به آن فرزانه تاریخ رو به افزایش است. حضور پرشکوه و پر رنگ مردم در برنامه های گرامی داشت قهرمان ملی در سراسر افغانستان، خود شاهد این مدعا است.

امسال، حسن مراسم یادمان فرمانده بزرگ در آن جا بود که فضای امن نسبی برقرار بود و این مساله باعث اشتراک بیشتر هواداران مسعود عزیز در برنامه های گرامی داشت او شد.

جای بسیار سپاس گذاری است که بنیاد شهید مسعود نیز طی اقداماتی مبنی بر جلوگیری از هرج و مرج - که گاهی در مراسم یادمان قهرمان ملی رخ داده است - وارد عمل شده و با پخش اعلامیه هایی فضای مناسب و در خوری را برای بزرگداشت مراسم مسعود بزرگ آماده ساخت. هم چنان تلاش نهادهای امنیتی برای کنترل اوضاع و جلوگیری از رویدادهای نامناسب از اهمیت به سزایی در این روز برخوردار بوده است.

اما حکومت که تجلیل از مناسبت های ملی از وظایف و مسوولیت های آن شمرده می شود، کار قابل توجهی را در راستای پرشکوه شدن این مراسم خیلی انجام نداد.

تجلیل سالروز شهادت مسعود بزرگ از سوی حکومت همه ساله برگزار می شود اما حلقه هایی در داخل این حکومت همواره تلاش بر کم رنگ جلوه دادن آن کردند. اما دیروز حضور گرم مردم در خیمه لویه جرگه نشان داد که قهرمان ملی باگذشت هر روز و هر سال بیشتر از گذشته بر دل مردم جا باز می کند.

اما آنچه در محفل یادبود رسمی از قهرمان ملی گفته شد در کنار یادی از قهرمان ملی بیشتر سیاسی و بارنگ و بوی انتخاباتی داشت.

چنان که معاون رییس جمهور در این مراسم پیرامون انتخابات اشاراتی کردند که نشان می دهد برگزار شدن انتخابات یا تقویق آن در میان تیم حاکم به عنوان دو مسأله با داشتن موافقان و مخالفانش وجود دارد و تأکید مارشال فهیم بر برگزار شدن انتخابات این امید را به وجود آورد که انتخابات از خطر تعویق نجات یابد.

اما نقطه عطف این بیانه ها سخنان استاد سیاف بود که با مزدور خواندن طالبان تأکید کرد که صلح با افراد مزدور امکان پذیر نیست. صلح با افراد آزاد صورت می گیرد. این سخن استاد متوجه موضع مسالمت آمیز دولت در برابر طالبان است که از چند سال به این سو به نام های گوناگونی انجام می پذیرد. او یک بار دیگر مانند گذشته طالبان را مسبب خرابی دین خواند و گفت که آنان خلاف تعلیمات و آموزه های دین مبین اسلام عمل کرده و سعی در بدنام سازی اسلام دارند.

نکته جالب آن است که حکومت افغانستان در حالی دم از مذاکره با طالبان می زند که قهرمان ملی کشور سال های دشواری را در مبارزه با این گروه مزدور سپری کرد و حتا جان شیرینش را در این راه از دست داد. مبارزه مسعود بزرگ با جنایت و تجاوز طالبان یک خط قرمز محسوب می شود. اما همواره در سالروز شهادت قهرمان ملی از مذاکره و گفت و گو با دشمنان او سخن زده شود. هر چند این سخن جدیدی نیست و در تمام این سال ها که حکومت گاهی سالروز قهرمان ملی را گرامی داشته، در همان روز طالبان را برادر خطاب کرده و دست دوستی به سوی آنان دراز که نادرست به نظر میرسد.

هم رزمان و یاران دیروز مسعود بزرگ باید به خاطر داشته باشند که دوستی با دشمنان آن رهبر روزهای دشوار، نوعی شکستن پیمان است که موافق اخلاق مردم ما نیست گفت و گو و صلح با آنانی که امروز علل برگشت و استقرار صلح شمرده می شود، دیروز و در زمان زنده گانی آن فرزانه مرد دلایل نابودی و تباهی حساب می شدند که به حق امروز هم چنین است، اما انگار امروز همه بدبختی ها و مصایب دیروز فراموشی سپرد شده است که این کاری است که بس تاوان و پشیمانی کلانی را در پی خواهد داشت.

حراج تفنگ صدام و اسلحه هیتلر در امریکا



یک مرکز حراجی در امریکا امید به «جاذبیت» دیکتاتورهای تاریخ دارد. در این مرکز حراج قرار است که از روز سیزدهم ماه سپتمبر، تفنگ صدام و سلاح کمبری هیتلر در کنار سلاح‌های دیگر برای فروش گذاشته شوند.

مرکز حراجی در ایالت ایلینوی امریکا قرار است که از روز ۱۳ سپتمبر سلاح‌های دو دیکتاتور معروف دنیا را به فروش بگذارد؛ یکی تفنگ صدام، دیکتاتور عراق و دیگری اسلحه‌ای که ظاهراً متعلق به آدولف هیتلر، رهبر نازی‌های آلمان بوده است.

دست کم ۷۵۰۰ دلار برای اسلحه صدام

مسئولان حراج اعلام کرده‌اند، تفنگی که در این مرکز حراج به نمایش گذاشته می‌شود، قطعاً متعلق به صدام حسین بوده است. صدام حسین در سخنرانی‌هایش زیاد شلیک می‌کرد؛ با این هدف که بر روی «استدلال‌های خود تاکید» کند.

عکس‌های بسیاری صدام را تفنگ به دست بر روی بالکن کاخش نشان می‌دهند. پس از سرنگونی او در دومین جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، سازمان سیا این تفنگ، که نام صدام بر روی آن حک شده را به دست آورد. پس از آن، یک افسر سیا این تفنگ را به عنوان هدیه برای سابقه کاری ۲۹ ساله‌اش دریافت کرد. این تفنگ که از نوع Bolt Action Ruger Mv۷ است، قرار است که برای دست‌کم ۷۵۰۰ دلار به فروش رسد.

قیمت اسلحه هیتلر دو برابر قیمت تفنگ صدام

قیمت این اسلحه تنها نصف قیمت تفنگی است که ظاهراً متعلق به آدولف هیتلر، رهبر حزب نازی بوده است. تفنگی که از هیتلر در این‌جا به حراج می‌رسد از نوع والتر مدل ۹ است که دستگیره‌اش از عاج فیل است. هنوز کارشناسان نتوانسته‌اند به طور کامل اثبات کنند که این اسلحه متعلق به هیتلر بوده، اما امری که اثبات شده این است که این اسلحه قسمتی از غنیمت جنگی بوده که امریکایی‌ها از آن سوی اقیانوس اطلس با خود آورده‌اند. در نامه‌ای که یک کارشناس اسلحه مدل «والتر» نوشته است، آمده است که این اسلحه متعلق به استراحتگاه اختصاصی هیتلر در اوبرزالتس‌بورگ بوده است.

بالاترین حراج، شمشیر ناپلئون

این دو قطعه نسبت به سلاح‌های دیگری که در این مرکز به حراج گذاشته می‌شوند، قیمت‌های مناسب و قابل پرداختی دارند. در این مرکز حراج حدود ۴۰۰ شیء دیگر نیز به فروش گذاشته می‌شوند. گرانقیمت‌ترین شیء که تاکنون به حراج رسیده است، شمشیر یک لبه ناپلئون از نبرد «مارنگو» است. این شمشیر که از فولاد آبی بوده، در سال ۲۰۰۷ به قیمت ۸ / ۴ میلیون یورو به یک خریدار گمنام فروخته شد.

وزیر دفاع سابق انگلیس:

پاکستان خطرناک‌ترین کشور جهان است



وزیر دفاع سابق انگلیس ادعا کرد که احتمالاً پاکستان خطرناک‌ترین کشور جهان است.

لیام فاکس، وزیر دفاع سابق انگلیس، عنوان کرد، هر چند در کشورهایی همچون سومالی و لیبی هرج و مرج و تروریسم وجود دارد، اما وضعیت پاکستان به دلیل خطراتی که دارد در این زمینه بسیار مشهود و بارز است.

این در حالی است که واجد شمس الحسن، کمیسیونر ارشد پاکستان در انگلیس با رد این ادعای فاکس تصریح کرد که پاکستان در خط مقدم جنگ با تروریسم قرار دارد.

شمس الحسن تاکید کرد که طرح چنین اتهاماتی علیه پاکستان ممکن است علاوه بر اینکه نقض قوانین بین‌المللی محسوب می‌شود، به تیرگی روابط دو کشور منجر شود.

تلاش پاکستان برای تدوین استراتژی مذاکره با جنگجویان



مقام‌های پاکستانی گفته‌اند که رهبران این کشور روز دو شنبه روی یک ستراتیژی تازه جهت رسیدن به توافق با جنگجویان در آستانه خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان مباحثه کردند. سران احزاب سیاسی، ادارات استخباراتی و نیروهای مسلح در اسلام‌آباد پایتخت پاکستان در ارتباط با چشم‌انداز آغاز مذاکرات صلح با جنگجویان اسلام‌گرای داخلی ملاقات کردند.

چنین اقداماتی می‌تواند موجب خشم ایالات متحده امریکا و سایر کشورهای غربی گردد که علیه القاعده و شورشیان طالبان در کشور همسایه افغانستان می‌جنگند.

واشنگتن گفته است که توافقات صلح در گذشته آن گروه‌های جنگجو را تشویق کرده است که از پاکستان به حیث «پناهگاه محفوظ» برای حمله بر نیروهای بین‌المللی در افغانستان استفاده می‌کنند. اسلام‌آباد چنین ادعاهایی را رد می‌کند.

در این اجلاس چودری نثارعلی خان، وزیر داخله پاکستان گفته است که انتظار می‌رود این نشست برای اولین بار یک دهه بعد از آنکه اسلام‌آباد به جنگ علیه تروریسم پیوست، مشی ضد تروریسم را به تصویب برساند.

ریاست این نشست را نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان به عهده داشت که می‌خواهد حمایت احزاب مخالف را برای طرح اش دایر بر رسیدن به توافقی با گروه‌های شورشی به دست آورد.

پس از آنکه نواز شریف در ماه جون به کارش به حیث نخست‌وزیر آغاز کرد، برای نخستین بار در ماه گذشته، ضمن اولین خطابه‌اش عنوانی ملت پاکستان گفتگو با جنگجویان را پیشنهاد نمود. او گفت: «من همه آن عناصری را به گفتگو دعوت می‌کنم که متأسفانه را افراط‌گرایی را دنبال می‌کنند».

اما نخست‌وزیر پاکستان گفت که حکومت اش در صورت عدم پاسخ مثبت به این پیشنهاد «گزینه‌های دیگر» را مورد استفاده قرار خواهد داد.

وزیر داخله پاکستان گفت که پیش‌نویس مشی ضد تروریسم ایجاد یک اداره مانند وزارت امنیت وطن در ایالات متحده امریکا را در نظر دارد و همچنان تشکیل یک نیروی واکنش سریع برای جنگیدن با جنگجویان مطرح می‌باشد.

بشار اسد: برای هرگونه حمله نظامی آماده‌ایم



رئیس جمهوری سوریه با تاکید بر اینکه ارتش از سلاح شیمیایی در غوطه دمشق استفاده نکرده، اعلام کرد: من به امریکایی‌ها تاکید می‌کنم که ورود به جنگ در خاورمیانه تجربه خوبی برایشان نیست.

بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه در مصاحبه با شبکه (سی.بی.اس) امریکا، اخبار منتشر شده مبنی بر استفاده نظام سوریه از سلاح شیمیایی در تاریخ ۲۱ اگست در حومه دمشق را تکذیب کرده و گفت: هیچ مدرک موثقی وجود ندارد که من علیه مردم خود از سلاح شیمیایی استفاده کرده باشم.

اسد در ادامه خاطر نشان کرد که نظام سوریه هیچ ارتباطی با حمله شیمیایی مشکوک در غوطه دمشق ندارد. وی به خبرنگار شبکه سی.بی.اس امریکا گفت: چیزی که بسیار اهمیت دارد این است که هیچ دلیلی وجود ندارد نظام سوریه بخواهد از سلاح‌های شیمیایی علیه مردم خود استفاده کند.

خبرنگار شبکه سی بی اس همچنین اعلام کرد که بشار اسد در مصاحبه خود این مساله را که نظام سوریه سلاح شیمیایی در اختیار دارد یا خیر تکذیب یا تایید نکرده و تنها تاکید کرده است که اگر دمشق چنین سلاح‌هایی داشته باشد بدون شک تحت کنترل کامل است.

اسد به ادعاها و تهدیدهای امریکا برای حمله به سوریه اشاره کرده و گفت: امریکا باید اگر سند و مدرکی در اختیار دارد ارایه دهد. رئیس جمهوری سوریه در ادامه تاکید کرد: من لزوماً نمی‌دانم که آیا حمله نظامی به سوریه اتفاق خواهد افتاد یا خیر اما تاکید می‌کنم مردم سوریه به بهترین شکل ممکن برای رویارویی با این مساله آماده شده‌اند.

اسد همچنین خطاب به مقامات امریکا تاکید کرد: پیام من به امریکایی‌ها این است که ورود به هرگونه جنگ و درگیری در خاورمیانه تجربه خوبی برای آنها نیست. اسد علاوه بر این هشدار داد که در صورت هرگونه حمله نظامی امریکا به سوریه کشورهای هم‌پیمان سوریه انتقام‌گیری خواهند کرد.

عقب‌نشینی امریکا از مواضع اش در برابر سوریه:

جنگ راه‌حل نیست

دستور استفاده از سلاح‌های شیمیایی را صادر کرده و حتی محل شلیک و اصابت موشک‌های حاوی مواد شیمیایی کاملاً برای دولت امریکا مشخص است.

وی افزود: ما حتی دستوراتی که از سوی مقامات سوریه برای توقف چنین حملاتی صادر شده بود را رصد کردیم و شاهد نگرانی شدید آنها از این مساله بودیم. دولت سوریه پس از حمله شیمیایی به شدت مناطق مورد حمله را گلوله باران کرد تا مدارک را از بین ببرد. در واقع نمی‌توان پذیرفت که مخالفان علیه خود از سلاح شیمیایی استفاده کرده باشند. اگر پاسخ اقدامات اسد داده نشود وی برای ادامه این امر مصمم‌تر خواهد شد. من چون خود پیشتر دادستان بوده‌ام به خوبی با مطرح کردن ادله و چگونگی تعامل با چنین موضوعاتی آشنایی دارم و با وجود عواقب آن به همگان تاکید می‌کنم که دولت سوریه عامل حمله بوده و کاملاً مطمئن هستم که حمله از سوی ارتش سوریه بوده است.



کری ادامه داد: رهبران امریکا همه بر این باورند که بحران سوریه تنها از طریق مذاکره حل و فصل خواهد شد اما ابتدا باید شرایط برای آغاز مذاکرات فراهم باشد و ضمناً نباید کسی که خلافی انجام داده بدون مجازات رها شود. وی ادامه داد: ما و انگلیس هر دو بر این باوریم که پاسخ اقدامی که در سوریه انجام شد باید داده شود تا دیگر شاهد چنین اقدامی در جهان نباشیم.

وزیر خارجه امریکا در پاسخ به سئوالی مبنی بر احتمال حمله امریکا به سوریه حتی بدون اجازه کنگره گفت: باراک اوباما با واگذار کردن تصمیم حمله به سوریه به کنگره کار سختی انجام داد اما هدف وی از این کار حمایت از امریکا، کنگره و دموکراسی بود و تصمیمی گرفت که به نفع همگان باشد. ما به مذاکرات خود با کنگره ادامه می‌دهیم و پس از آن باراک اوباما خطاب به مردم امریکا سخن خواهد گفت و اگر نیاز باشد ادله بیشتری ارائه خواهد کرد.

کری ادامه داد: من نگرانی‌های کنگره را درک می‌کنم و به خوبی از دغدغه‌های آنها آگاهم چرا که در زمان جنگ عراق من خود عضو کنگره بودم و چاک هاگل، وزیر دفاع نیز در آن زمان سناتور بود. در نتیجه به خوبی می‌دانیم که نباید اشتباهی که در عراق رخ داد تکرار شود. در آن زمان گزارش‌های اشتباه و نقص مدارک وجود داشت اما در مورد سوریه تمام تلاش‌ها انجام پذیرفته تا چنین اشتباهی تکرار نشود و تکنولوژی‌های بسیاری به کار گرفته شده و اوباما نیز تاکید کرده است تا مانع از وقوع اشتباه دیگری شویم.

وزیر خارجه امریکا بار دیگر مدعی شد که نظام سوریه

وزیر خارجه امریکا که در ادامه رایزنی‌ها و تلاش‌هایش برای جلب حمایت بین‌المللی از طرح امریکا برای حمله به سوریه در لندن به سر می‌برد، تاکید کرد که بحران سوریه در نهایت باید روی میز مذاکره حل و فصل شود نه در میدان جنگ.

جان کری، وزیر خارجه امریکا در کنفرانس مشترک خبری با ویلیام هیگ، همتای انگلیسی خود گفت: بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه می‌تواند با تحویل سلاح‌های شیمیایی خود به سازمان ملل تا روزهای آتی مانع آغاز جنگ شود.

وی همچنین تاکید کرد: رای منفی پارلمان انگلیس به مشارکت در حمله به سوریه تأثیری بر روابط دو جانبه نداشته و دو کشور همچنان هم‌پیمان خواهند ماند.

دو وزیر خارجه همچنین با تاکید بر لزوم مجازات عاملان حملات شیمیایی در سوریه تصریح کردند که بحران سوریه راه‌حل نظامی ندارد.

ویلیام هیگ، وزیر خارجه انگلیس گفت: ما با همتای امریکایی خود درباره مسائل مختلف از جمله صلح خاورمیانه و مساله سوریه مذاکره کردیم. ما به اقدام پارلمان در مخالفت با حمله به سوریه احترام می‌گذاریم اما موضع ما همچنان در راستای مواضع امریکا است و از جمله معتقدیم که باید پاسخی قاطع به استفاده از سلاح شیمیایی در سوریه داده شود. امریکا حمایت کامل دیپلماتیک لندن را در رابطه با سوریه دارد.

ویلیام هیگ ادامه داد: هدف مشترک ما و امریکا این است که راه برای مذاکرات زُنو ۲ آماده شود و بحران سوریه به شکل سیاسی حل و فصل گردد. اما باید کسانی که مرتکب اشتباه شده‌اند مجازات شوند.

وی با تشکر از دولت امریکا برای آنچه که «هدایت برنامه‌ها پیرامون حمله شیمیایی در اطراف دمشق» خواند، گفت: با مخالفان سوری و مقامات روسیه نیز مذاکره می‌کنیم تا راه‌حلی برای بحران سوریه یافته شود. اما یقیناً بشار اسد مسئول اقداماتی است که در سوریه رخ داده و باید مجازات شود.

جان کری نیز گفت: روابط ما با دولت انگلیس بسیار مستحکم و قدیمی است و یک حادثه یا رای ندادن پارلمان بر آن تأثیر نمی‌گذارد ما به تلاش‌های خود برای پایان دادن به جنگ داخلی در سوریه ادامه می‌دهیم و این پیام را به دیکتاتورهای خواهیم داد که بدون مجازات نخواهند ماند.

بخشنده ترین سردار در تاریخ افغانستان

صالح محمد ریگستانی

بخش نخست



احمدشاه مسعود در طول حیات سیاسی اش همیشه با خطر ترور مواجه بود. من در مدت بیست و یک سالی که با مسعود کار کردم، از شش اقدام علیه او خبر دارم، ولی مطمئن هستم که بیشتر از این هم بوده است. بر اساس اسنادی که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به دست آمده است، نیروهای شوروی در افغانستان، یک قطعه مخصوص را در فرودگاه بگرام مستقر نموده بودند تا مسعود را رهایی و اقدام به قتل او کنند. و اما «کی.جی.بی» جدا از این، به فکر ترور مسعود از طرق دیگر بود که چند بار اقدام هم کرد و موفق نشد که موضوع بحث ما نیست. یک نهاد دیگر که به طور مستمر به فکر ترور مسعود بود، سازمان استخبارات دکتر نجیب یعنی «خاد» بود که چند اقدام ناکام او هم با «کی.جی.بی» هماهنگ بود. بعد از پیروزی مجاهدین در سال ۱۳۷۱، سازمان القاعده، طالبان و «آی.اس.آی» نیز در پی ترور مسعود بودند که بالاخره موفق هم شدند.

حادثه‌یی که در ادامه این نوشتار می‌خوانید، توطیه‌یی است که در تالقان اتفاق افتاد؛ اما قبل از آن لازم است تا با اوضاع آن وقت آشنا شوید.

مسعود بعد از ششمین تهاجم شوروی بر پنجشیر، تصمیم گرفت مناطق پایگاهی خود را توسعه دهد. این تصمیم به حکم مرحله دوم «استراتژی جنگ پارتیزانی» او اتخاذ می‌شد.

احمدشاه مسعود بنیان‌گذار «استراتژی جنگ پارتیزانی» در افغانستان است که اگر در کشور دیگری می‌بود، برای تدریس آن اکادمی بزرگی تأسیس می‌شد؛ اما در کشور ما تاکتیک‌های جنرالان ناکام تدریس می‌گرد.

بر اساس این استراتژی، مسعود می‌بایست از پنجشیر خارج می‌شد و پنجشیرهای دیگری می‌ساخت که در استراتژی او به نام «توسعه مناطق پایگاهی» یاد می‌شد؛ اما حملات متواتر شوروی‌ها، این فرصت را به او نمی‌داد.

در سال ۱۳۶۱ و در ادامه ششمین تهاجم لشکر سرخ شوروی بر پنجشیر، جنگ حدود ده ماه به درازا کشید و در نتیجه آن، آتش‌بسی با قوای شوروی برقرار گردید که یک سال ادامه یافت.

آتش‌بس سال ۱۳۶۲ برای شوروی‌ها اهمیت تاکتیکی داشت، اما برای مسعود از اهمیتی استراتژیک برخوردار بود؛ زیرا شوروی‌ها از فرصت آتش‌بس برای شناخت و ترور مسعود استفاده کردند، اما مسعود به فکر تطبیق استراتژی خود بود. در بهار سال ۱۳۶۲ بود که مسعود به آرزوی توسعه مناطق پایگاهی، از پنجشیر خارج شد و تعدادی از مجاهدین را که برای سازمان‌دهی مناطق جدید لازم بود، با خود گرفت که بنده هم از آن جمله بودم.

مسعود برای توسعه مناطق پایگاهی، چهار دره طولانی را که در نهایت به پنجشیر اتصال داشتند، در نظر گرفت که بعدها از قوی‌ترین مناطق پایگاهی مسعود شدند، یعنی: اندراب، خوست و فرنگ، خیاب و فرخار. (قابل ذکر است که این مناطق حالا به شش واحد اداری تقسیم شده‌اند که چهار تای اولی مربوط بغلان و دو تای آخری به ولایت تخار تعلق دارند. و نکته قابل ذکر دیگر این‌که دره خیاب، پس از شهادت احمدشاه مسعود و به یمن اقامت طولانی او، اینک به ولسوالی «کزگراه نور» مسما شده است.)

سازمان‌دهی مناطق پایگاهی کار یک‌سال نبود، ولی مسعود طبق عادت در یک شبانه‌روز، بیست ساعت کار و چهار ساعت استراحت می‌کرد. او تلاش داشت از هر ثانیه این فرصت طلایی استفاده کند، اما تهدید شوروی‌ها به لغو آتش‌بس، واضح ساخت که آن‌ها از نیت مسعود آگاهی یافته‌اند.

شوروی‌ها که در جریان آتش‌بس، قصد ترور احمدشاه مسعود و محدود ساختن او در پنجشیر را داشتند، اینک می‌دیدند که مسعود از یک‌طرف آن‌ها را در جنگ‌هایی خارج از پنجشیر (مسیر سالنگ تا کابل) مصروف ساخته و از جانب دیگر، به توسعه مناطق پایگاهی می‌پردازد؛ از این‌رو مسعود را به نقض مواد قرارداد متهم نموده، تهدید به لغو آتش‌بس کردند.

مسعود ناچار شد به پنجشیر برگردد، زیرا ادامه آتش‌بس برای او بسیار مهم بود؛ ولی ما که کار سازمان‌دهی را به‌دوش داشتیم، در مناطق پایگاهی باقی ماندیم. در پنجشیر توطیه

ترور مسعود توسط شوروی‌ها به مرحله اجرا نزدیک شده بود، اما مسعود با آن‌که از آن اطلاع داشت، نگرانی‌اش از لغو آتش‌بس بود نه ترور.

شوروی‌ها که به ترور احمد شاه مسعود در جریان آتش‌بس موفق نشده بودند، ادامه آن را درست ندیده و با فرا رسیدن بهار سال ۱۳۶۳، هفتمین و بزرگ‌ترین هجوم‌شان بر پنجشیر را آغاز کردند که موضوع بحث این نوشتار نیست و اگر زنده ماندم، در فرصتی دیگر آن را خواهم نوشت.

هجوم هفتم شوروی بر پنجشیر بسیار سنگین بود و از هر نگاه در افغانستان تازه‌گی داشت. این جنگ یک‌سال احمدشاه مسعود را مصروف کرد تا جایی که ما را به پنجشیر خواست؛ ولی مناطق پایگاهی جدید با وجود این‌که کارشان به اتمام نرسیده بود، نقشی را که مسعود می‌خواست، به‌خوبی ادا کردند.

هجوم هفتم شوروی یک‌سال تمام مسعود را در حالت دفاعی قرار داد. حملات پی در پی شوروی‌ها که انواع مختلف تاکتیک‌ها و سلاح‌ها در آن به‌کار گرفته شد، بر هر دو طرف تلفات سنگین وارد می‌کرد، اما مسعود با نبوغ همیشه‌گی، رهبری نیروهای خود را به‌دست داشت و مترصد اوضاع بود.

شوروی‌ها که با هجوم هفتم، ابتکار حملات پی در پی را به‌دست داشتند، یک سال تمام کوشش کردند پنجشیر و مسعود را درهم بشکنند، اما او و مجاهدینش به‌سختی تحمل می‌کردند. باری احمدشاه مسعود این جمله تاریخی را به حیث یک اصل در جنگ پارتیزانی گفته بود: «هر جنگی که نتواند ما را نابود کند، قوی‌تر می‌سازد».

ارتش سرخ که بعد از یک سال جنگ و حملات هجومی زمین‌گیر شده بود، حالت دفاعی به خود گرفت. مسعود می‌دانست که پیروز شده است. تاکتیک‌های «جنگ و گریز» او، تیرهای ارتش سرخ را به سنگ زده بود. او به نیروهایش دستور داده بود که «به دشمن تلفات وارد کنید و خود از تلفات بپرهیزید».

مسعود که متیقن شده بود ارتش سرخ دیگر توان هجوم وسیع را ندارد، دستور حملات هجومی در پنجشیر را داد. این حملات شامل حمله بر کاروان‌های تدارکاتی، کمین‌ها، مین‌گذاری راه‌ها و سرک‌ها، حمله بر پوسته‌ها و ذخایر آن‌ها می‌شد. ولی برنامه اصلی مسعود، خروج دوباره از پنجشیر و اجرای سومین مرحله استراتژی جنگ پارتیزانی او یعنی «تعرض استراتژیک» بود.

بر اساس حکم این مرحله، مسعود می‌بایست مناطق پایگاهی جدید را از وجود دشمن، پاک و یکی از ولایات را آزاد می‌کرد که این ولایت مورد نظر او تخار بود.

آزادی کامل ولایت تخار سه سال و چهار مرحله را در بر گرفت. ابتدا ولسوالی فرخار آزاد شد، به دنبال آن ولسوالی کلفگان، بعد شهر تالقان و سپس ماورای کوکچه و در اخیر، رستاق و چاه یاب.

ولایت تخار را می‌توان از مطمئن‌ترین پایگاه‌های جهاد مسعود به حساب آورد. این ولایت حاصل‌خیز و خوش آب‌وهوا که دارای ترکیب قومی مختلف است، از قوی‌ترین پشتیبانان مسعود بود. بهترین فرماندهان مسعود از همین ولایت به صحنه آمدند و مردم این ولایت از مسعود با جان‌ومال پشتیبانی کردند و عجب نیست اگر مسعود خون

حقیقت این بود که در فتح تالقان تعداد نیروهای حزب اسلامی به دوصد نفر نمی‌رسید، در حالی که نیروهای تحت فرمان مسعود، هزارها نفر بودند. از جانب دیگر، ابتکار حمله بر تالقان جزو برنامه‌های مسعود بود که قبلاً در این‌باره اشاراتی رفت.

حضور حزب اسلامی در حاشیه شهر، همیشه باعث نگرانی و گاهی دردسر برای مسعود بود، زیرا آن‌ها تابع مسعود نبودند و این، نظم مسعودی را اختلال می‌کرد. اما مسعود مدارا می‌کرد و طرف‌دار تشنج نبود. در چنین اوضاعی که مسعود و فرماندهان او بین فرخار و تالقان مدام در رفت‌وآمد بودند، سید جمال فرمانده حزب اسلامی طی یک کمین‌گیری در مسیر راه فرخار - تالقان، حدود سی تن از فرماندهان مسعود را به قتل رساند. جالب این‌که من هم همان روز با کاروان در حال حرکت بودم که کاری پیدا شد و از موتر پایین شدم.

کشتار بی‌رحمانه فرماندهان مسعود، او را به خشم آورد و دستور داد تا تمام مناطق سیدجمال را تصفیه، افرادش را خلع سلاح و خودش را دستگیر کنند. در نتیجه این عملیات، سیدجمال دستگیر گردید و سپس محاکمه و اعدام شد. بشیر شهادت‌یار که در این هنگام در خان‌آباد کاندز بود، نتوانست کمکی به سیدجمال کند، اما به فکر انتقام بود و ماجرای ترور از همین‌جا آغاز گردید.

اولین اقدام بشیر شهادت‌یار، حمله بر تالقان بود که بسیار ناگهانی و غافل‌گیرانه بود. او موفق شد تا نزدیکی‌های شهر تالقان پیشروی کند. اما چیزی که مرا تا حال متعجب می‌سازد این است که چه‌طور ما از آن حمله هیچ آگاهی قبلی نداشتیم در حالی که مسعود دارای قوی‌ترین شبکه اطلاعاتی بود.

جنگ با بشیر شهادت‌یار حدود یک ماه دوام کرد و با رسیدن نیروهای کمکی، بشیر شهادت‌یار، وادار به عقب‌نشینی به طرف خان‌آباد گردید، اما آرام ننشست و طرح ترور مسعود را ریخت.

برنامه چنین طراحی شده بود که سه نفر از افراد بشیر شهادت‌یار در صفوف پولیس شهر تالقان داخل شوند و در فرصت مناسب، مسعود را به قتل برسانند. قبل بر این گفته بودیم که با آزادی تالقان، مسعود به فعال ساختن ادارات ولایت آغاز کرده بود و از جمله جذب افراد جدید در پولیس. افراد مذکور موفق شده بودند در فرماندهی پولیس تالقان توظیف گردند.

دفتر من که ریاست او پراسیون نامیده می‌شد، عقب فرماندهی پولیس تالقان قرار داشت و مسعود اکثر اوقات در دفتر من می‌بود. این دفتر جدا از این‌که محل برنامه‌سازی‌های نظامی مسعود بود، دارای یک حویلی بزرگ و یک صهف چنار زیبا بود که مسعود آن‌جا را بسیار می‌پسندید. مسعود بسیاری اوقات، ملاقات‌های خود را در همین صهف چنار انجام می‌داد و در شب‌های تابستان که هوا در تالقان گرم بود، صهف چنار هوای مطبوعی داشت و مسعود همان‌جا می‌خوابید.

دو نفر مربوط به بشیر شهادت‌یار فرمانده حزب اسلامی موفق شده بودند تا در فرماندهی پولیس تالقان جابه‌جا شوند. نکته دیگر این‌که بین دفتر من و فرماندهی پولیس یک دیوار کم‌ارتفاع و یک دروازه وجود داشت. گرچه ما دو راه جداگانه هم داشتیم، اما مسعود بعضی اوقات از راه فرماندهی پولیس رفت‌وآمد می‌کرد، این‌هم به ترورستان اجازه می‌داد تا او را بهتر زیر نظر داشته باشند.

یک شب مسعود به دفتر من آمد و مرا به اتاق خودش خواست و گفت: مدتی شده سه نفر تروریست در فرماندهی پولیس جابه‌جا شده و قصد ترور مرا دارند، قرار است امشب آن‌ها وارد عمل شوند. سپس نام‌های‌شان را به من داد (نمی‌خواهم از آن‌ها نام ببرم) و دستور داد همین حالا آن‌ها را دستگیر کنم و نزد او بیاورم.

برنامه آن‌ها طوری بود که هر سه نفر هنگام پاسبانی در چهارراهی مرکز شهر، وقتی موتر مسعود می‌گذرد، به حکم وظیفه آن را متوقف سازند، سپس یک نفر آن‌ها طبق معمول برای پرسیدن نام شب نزدیک رفته، از موجودیت مسعود در درون موتر مطمئن شده، سپس هر سه نفر بر روی آن آتش بگشایند، بعد از این به سرعت فرار کرده، خود را به یکی از قریه‌های اطراف شهر رسانده و از آن‌جا شخصی آن‌ها را به طرف خان‌آباد، جایی که بشیر شهادت‌یار بود، فرار دهد. من به سرعت دست به کار شده، چند تن از افراد اوپراسیون را مسلح ساخته، وارد فرماندهی پولیس شدم. مسعود گفته بود که قبل از دستگیری‌شان، فرمانده پولیس را که هیچ اطلاعی نداشت، در جریان بگذارم. همراه با فرمانده پولیس وارد اتاق‌شان شدیم که غافل‌گیر شدند و جرأت نکردند عکس‌العملی نشان دهند.

آن‌ها را به دفتر آوردم و مسعود را در جریان گذاشتم. گفت تحقیقات اولیه را خودت انجام بده، من جایی می‌روم و برمی‌گردم. با رفتن مسعود اولین کاری که من انجام دادم این بود که هر سه نفر را از هم جدا کردم تا داستان کاذبی نیافند. قدم بعدی این بود که اولین نفر را جهت تحقیق خواستم و باید بگویم که من از اول هم از دیدن این سه نفر متعجب شده بودم، زیرا هر سه نفر بسیار جوان بودند یعنی بین بیست تا بیست‌وپنج سال داشتند. از طرف دیگر، چهره‌های‌شان بیشتر به جوانان بی‌تجربه می‌ماند تا جنایت‌کاران حرفه‌یی.



بر اساس اسنادی که بعد از فروپاشی

اتحاد شوروی به‌دست آمده است،

نیروهای شوروی در افغانستان، یک

قطعه مخصوص را در فرودگاه بگرام

مستقر نموده بودند تا مسعود را

رهیابی و اقدام به قتل او کنند.

و اما «کی.جی.بی» جدا از این، به فکر

ترور مسعود از طرق دیگر بود که چند

بار اقدام هم کرد و موفق نشد که

موضوع بحث ما نیست.

یک نهاد دیگر که به طور مستمر

به فکر ترور مسعود بود، سازمان

استخبارات دکتر نجیب یعنی «خاد»

بود که چند اقدام ناکام او هم با «کی.

جی.بی» هماهنگ بود.

بعد از پیروزی مجاهدین در سال

۱۳۷۱، سازمان القاعده، طالبان و

«آی.اس.آی» نیز در پی ترور مسعود

بودند که بالاخره موفق هم شدند



خود را به عنوان سپاس‌گزار در همین ولایت ریخت. از سجایای دیگر مردم تخار این‌که مسعود در کمال امن در همین ولایت عروسی کرد و بیشتر فرزندان او در همین ولایت متولد شدند. خانواده او هفت سال در دره فرخار و در روستایی از پیروان فرقه اسماعیلیه به نام «پیو» بدون هیچ محافظی زنده‌گی کردند، در حالی که شوروی‌ها همیشه به دنبال او بودند.

فتح شهر تالقان در سال ۱۳۶۷ به مسعود فرصت داد تا نمونه‌یی از حکومت دل‌خواه خود را تأسیس و استعداد خود برای اداره کشور را ثابت کند. او در اولین فرصت، والی و سایر مسوولین ولایت را تعیین و نظم و امنیت را برقرار نمود. تأکید مسعود بر ایجاد نظم آن‌قدر زیاد بود که مردم عادی نیروهای مرکزی مسعود را «نظمی‌ها» می‌گفتند.

قابل یادآوری‌ست که در فتح تالقان تعدادی از نیروهای حزب اسلامی هم که تا آن‌وقت با مسعود درگیر نشده بودند، اشتراک داشتند؛ اما بعد از فتح تالقان فرمانده تازه‌دم حزب اسلامی به نام بشیر شهادت‌یار که از ولسوالی چاه‌یاب تخار بود، خبر این فتح را به نیروهای خود نسبت داد و حکمتیار را مدتی خرسند ساخت.

■ نجات از نخستین توطئه قتل

مسعود از تولد تا قهرمانی

محمد اکرام اندیشمند/
بخش دوم



احمدشاه مسعود پس از ناکامی قیام مسلحانه در پنجشیر، روزگار دشواری را گذراند. زنده‌گی سخت در اختفا توأم با تغییر مداوم مکان و محل بودوایش، چه در پنجشیر و داخل کشور و چه در پشاور و نقاط مرزی از یک‌سو؛ و منازعه با گلبدین حکمتیار در مورد قیام ناکام مسلحانه اسد ۱۳۵۴ و نحوه تداوم مبارزه و چه‌گونه‌گی سرنوشت آینده جریان اسلامی و رهبری آن از سوی دیگر، دشواریها و معضلات جدی مسعود در آن روزگاران بود.

قیام نافرجام مسلحانه ۱۳۵۴، ضربه سختی را به جریان اسلامی وارد آورد. سرنوشت قیام در مناطق دیگر و سرنوشت فرماندهان آن ناگوارتر از قیام پنجشیر بود. در لغمان مولوی حبیب‌الرحمن فرمانده قیام به قتل رسید. در بدخشان داکتر محمد عمر پس از مدتی بدون وقوع قیام، اسیر نیروهای دولتی گردید. در پکتیا فرمانده آن دست به هیچ قیامی نزد. و در کنرها انجنیر جان‌محمد بعد از یک جنگ کوتاه و عقب‌نشینی، دوباره به پاکستان برگشت. صدمات و ضربات دولت به سایر اعضای جریان اسلامی پس از این قیام، بیشتر از ضربات و تلفاتی بود که نهضت مذکور در محل و زمان شورش مسلحانه ۱۳۵۴ متحمل شد. ده‌ها نفر از اعضا و هواداران جریان اسلامی از مکاتب و دانشگاه مرکز و ولایات توسط دستگاه امنیت و پولیس دولت، دستگیر و زندانی گردیدند. بسیاری از این افراد که تعدادشان به بیش از صد نفر می‌رسید، در جوزای ۱۳۵۸ در حکومت نورمحمدتره‌کی و حفیظ‌الله امین به‌رغم اتمام دوره حبس‌شان در کشتارگاه پلچرخ تیرباران و یا زنده به گور شدند. و ده‌ها تن دیگر با ترک تحصیل و محیط کار خود، به زنده‌گی مخفیانه روی آوردند و یا به پاکستان و ایران فرارکردند.

احمدشاه مسعود که بعد از مدتی به پشاور برگشت، به انتقاد شدید از گلبدین حکمتیار پرداخت. او طرح کودتا و شورش نظامی حکمتیار را در مبارزه علیه دولت محمدداوود نادرست و غلط خواند و موصوف را عامل تلفات خونین نهضت اسلامی و سرکوبی اعضای آن تلقی کرد. هم‌چنان او حکمتیار را متهم ساخت که در کودتا و قیام نظامی علیه حکومت محمد داوود بدون در نظر داشت زمینه و شرایط قیام، به خواست و تمایل دولت پاکستان و استخبارات نظامی آن عمل نموده است. وی خواستار برکناری حکمتیار از رهبری امور نظامی شد. از نظریات احمدشاه مسعود، جمعی دیگر از پناهنده‌گان تبعیدی جریان اسلامی به شمول انجنیر جان‌محمد فرمانده قیام ۱۳۵۴ در کنرها حمایت می‌کردند. اما گلبدین حکمتیار آن‌ها را اخلاص‌گر و جاسوس حکومت محمدداوود می‌خواند. با اوج‌گیری اختلاف و منازعه در میان آن‌ها، جان‌محمد اولین قربانی اقدام حکمتیار شد. او را حکمتیار به نام جاسوس داوودخان در زندان آی.اس. آی به بند کشید و سپس از اعتراف موصوف به جاسوسی و همراهی احمدشاه مسعود سخن گفت. احمدشاه مسعود خواستار ملاقات با جان‌محمد شد تا کذب ادعای حکمتیار را به اثبات برساند. او ظاهر برای شنیدن اعترافات جان‌محمد به دفتر آی.اس. آی برده شد. اما در آن‌جا با گلبدین حکمتیار رویه‌رو گردید که برای گرفتاری‌اش از قبل زمینه‌سازی کرده بود. مسعود که به سرعت توطئه در برابر خود را درک کرد، با استفاده از تفنگچه خود و نشانه گرفتن به سوی حکمتیار، از اتاق خارج شد. مسعود را در این لحظه انجنیر محمدایوب که بعداً در دوران جهاد علیه تجاوز شوروی ریاست کمیته نظامی جمعیت را به دوش داشت، همراهی می‌کرد. چند روز پس از آن‌که احمدشاه مسعود از توطئه دستگیری و قتل خود توسط حکمتیار نجات یافت، انجنیر جان‌محمد در زندان به قتل رسید. حکمتیار در سال ۲۰۰۱ میلادی در مصاحبه باروزنامه «اوصاف» چاپ اسلام‌آباد در مورد قتل جان‌محمد و دستگیری احمدشاه مسعود می‌گوید: «... د داوود په وخت کې په پاکستان هره ورځ چاودنی کیدی. حیات شیر پاو و وژل شو، اجمل ختک په کابل کې ناست ده او ملاتړ یی کاوه. زه چی پاکستان ته راغلم، نو بوتو له موږ نه مرسته وغوښته، موږ هم له وخت نه گته وکړه او د بوتو د حکومت په مرسته مو د داوود د حکومت پر ضد په عملیاتو لاس پوری کړ. کال چی سریده د داوود ماغزه ځای ته راغلل! او بوتو حکومت سره یی خبری پیل کړی... دودی دواړه (جان‌محمد و احمدشاه مسعود) ښاغلی د داوود پر ضد دوسله‌والو عملیاتو مخالف خبر و اتروپولی وو. دوی هغه ته پټ لیکونه وراستو یو ځل زموږ ملگری قاضی وقاد ته پته ولگیده چی مسعود داوود ته لیک لیکلی دی، مسعود یی له خپلو خو ملگریو سره ونیسو. دانیونه د نصیرالله بابر په خوښه وشود. د مسعود دوه ملگری ووژل شول خودی کراچی ته وتښتیدل او له هغه ځایه افغانستان ته لاړ...» (در دوره حکومت داوود هر روز در پاکستان انفجار رخ می‌داد. حیات شیرپاو کشته شد و اجمل ختک که در کابل نشسته بود، از این قتل حمایت می‌کرد. وقتی که من به پاکستان آمدم، بوتو از ما همکاری خواست. ما هم از وقت استفاده کردیم، به کمک حکومت بوتو علیه حکومت داوود دست به عملیات زدیم. تا آن‌که مغز داوود به جای آمد و با حکومت بوتو داخل مذاکره گردید. آن‌ها هر دوی‌شان (جان‌محمد و احمدشاه مسعود) مخالف عملیات نظامی بر ضد حکومت آقای داوود بودند. آن‌ها به داوود مخفیانه نامه



فرستاده بودند. یک بار برای رفیق ما قاضی وقاد آشکار شد که مسعود برای داوود نامه نوشته است. قاضی وقاد مسعود را با دو نفر رفقایش دستگیر کرد. و این دستگیری با رضایت و تمایل نصیرالله بابر انجام یافت. هر دو رفیق مسعود کشته شدند. اما مسعود خود به کراچی فرار کرد و از آن‌جا به افغانستان رفت.)

اما احمدشاه مسعود در مورد عملیات نظامی علیه حکومت داوودخان و مخالفت با روش و عمل کرد حکمتیار در مصاحبه با «الوطن العربی» هفته‌نامه چاپ پاریس شماره ۸۶۸ جمعه ۲۲ اکتوبر ۱۹۹۳، می‌گوید:

«حکمتیار نسبت به هر تلاش راهاندازی انقلاب، دید خاص خود را داشت. او دست زدن به انفجارات، ترور و امثال آن را ترجیح می‌داد و من مخالف دست زدن به خشونت و اقدامات تروریستی بودم. چون از نظر من، چنین روشی با مبادی اسلامی سازگاری ندارد. اما وی پافشاری می‌کرد و می‌گفت جهاد همین است و من می‌گفتم که اشتباه می‌کنی

و پاکستان در این راه تو را استفاده می‌کند. در آن مدت میان حکمتیار و ذوالفقار علی بوتو مناسبات محکمی برپا شد و بدین‌گونه، اختلاف میان ما پدید آمد و به مرور زمان، بزرگ گردید؛ خاصتاً بعد از آن‌که دست به عملیات نظامی متعددی در نواحی مختلف افغانستان زدیم؛ در پنجشیر، لغمان، کنر و غیره. من مسوول منطقه پنجشیر بودم... حکمتیار خواست طبق استراتژی خاص خودش عمل گردد و من شخصاً مخالف آن بودم، ولی چون دستور نظامی بود، به اجرای آن اجباراً تن دادم. به دنبال آن اختلافات ما شدید شد و برای حکمتیار گفتم نقشه‌ات غلط است و هم‌چنان غلط خواهد بود. در نتیجه از جمعیت اسلامی انشعب کرد و حزب خود را اساس گذاشت و از آن سال بدین‌سو اختلاف میان ما با گذشت هر روز فزونی گرفت.»

پس از آن احمدشاه مسعود بیشتر وقت خود را در مناطق مرزی و داخل افغانستان می‌گذراند و در رفت‌وآمد به پشاور با احتیاط عمل می‌کرد. اختلاف میان پناهنده‌گان جریان اسلامی به نقطه غیر قابل بازگشت رسید. آن‌ها به دو دسته جداگانه منقسم شدند: عناصر تندرو، احساساتی و افراطی‌بی که فقط فکر کودتا و جنگ را علیه حکومت محمدداوود در سر داشتند، به طرف‌داری از گلبدین حکمتیار قرار گرفتند. احمدشاه مسعود با افراد معتدل و عمل‌گرا که از مشی مبارزه آرام و مسالمت‌آمیز و حتا مذاکره با حکومت محمدداوود جانبداری می‌کردند، با جمعیت اسلامی افغانستان در کنار استاد برهان‌الدین ربانی باقی ماندند. اما کودتای ثور ۱۳۵۷ و حاکمیت حزب دموکراتیک خلق، راه را به روی مبارزات مسالمت‌آمیز بست و احمدشاه مسعود برای بار دوم در وادی پنجشیر، فرماندهی قیام مسلحانه را به دوش گرفت.

■ کودتای ثور و آغاز مرحله جدید مقاومت

احمدشاه مسعود پس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ حزب دموکراتیک خلق، در بهار ۱۳۵۸ (۱۹۷۹) با بیش از سی تن از همفکران و هم‌زمانش که همه از اعضای جریان اسلامی متعلق به جمعیت اسلامی بودند، وارد پنجشیر شد. او این بار فرماندهی قیام و مقاومت مسلحانه را علیه دولت حزب دموکراتیک خلق نه تنها در پنجشیر، بلکه در سراسر ولایت پروان - کاپیسا و ولایات شمال کشور به دوش داشت. مرحله جدید فرماندهی و آمریت در مبارزه و مقاومت مسلحانه مسعود، از مرحله پیشین سال ۱۳۵۴ متفاوت بود. او در این مرحله، حمایت و همراهی مردم را با خود داشت. چون حزب دموکراتیک خلق با خط‌های فزاینده و عمل‌کرد شتاب‌زده و غیرعقلانی و با ارتکاب جنایات وحشت‌ناک، مخالفت و تفرق مردم را در برابر خود برانگیخته بود.

احمدشاه مسعود در مرحله جدید فرماندهی مبارزه مسلحانه، در وضعیتی بهتر از گذشته قرار داشت. او در سال‌های زنده‌گی مخفیانه در پنجشیر، مطالعات زیادی

را هم در مورد مردم و جامعه و هم در مورد موقعیت جغرافیایی و ساختمان اراضی وادی پنجشیر و اطراف آن انجام داده بود. بنابراین موصوف بدون فوت وقت، دست به کار شد و در اولین گام، ده تن از همراهانش را به شمال هندوکش در ولسوالی اندراب غرض شروع مبارزه مسلحانه فرستاد و خود در پنجشیر به صورت نیمه‌علنی کار دعوت مردم را به مقاومت آغاز کرد. گام بعدی او، جمع‌آوری افراد داوطلب و یا سربازگیری برای عملیات نظامی غرض تصرف مراکز دولتی در وادی پنجشیر بود. او در چند روز محدود، رخنه مرکز ولسوالی و دو مرکز علاقه‌داری‌های حصه اول و دوم پنجشیر را متصرف شد و سراسر وادی را از سلطه حکومت حزب دموکراتیک خلق بیرون کرد. او سپس بزرگراه سالنگ که شمال کشور را به پایتخت و جنوب وصل می‌نمود، مسدود ساخت و با نیروهای دولتی به نبرد ادامه داد. احمدشاه مسعود در این جنگ بعد از شش هفته از ناحیه ران پای زخم برداشت و نیروهای دولتی موفق به تصرف دوباره وادی پنجشیر شدند. مسعود در این نبرد شکست خورد و با تعدادی کمی از همراهانش به پریان آخرین روستای پنجشیر به سوی ارتفاعات شمال وادی، عقب نشست. ادامه نبرد به صورت جبهه‌یی در شش هفته، نخستین اشتباه در شروع این مرحله از مقاومت بود که مسعود تجارب فراوانی از آن گرفت. او با اراده قوی هرچند با دشواری‌های بسیار، مقاومت را دوباره آغاز کرد. به تشکیل دسته‌های منظم چریکی پرداخت و قبل از شروع مجدد عملیات، به تعلیم و تربیه نظامی و سیاسی آن‌ها مبادرت ورزید. احمدشاه مسعود بعد از این، جنگ پارتیزانی را به شیوه علمی گام به گام در کلیه مراحل مبارزه و جهاد مسلحانه تعقیب کرد. او بنیان‌گذار جنگ پارتیزانی به گونه علمی در افغانستان شد.

احمدشاه مسعود در مرحله بعد از شکست یاد شده که به سربازگیری مجدد و تنظیم قطعات منظم مجاهدین برای نبردهای بعدی پرداخت، عملیات جنگی را از نو آغاز کرد. او دوباره مراکز اداری و نظامی دولت حزب دموکراتیک خلق به جز از رخنه مرکز ولسوالی را در سراسر وادی پنجشیر تسخیر نمود و با حمله نظامی شوروی، وارد دور جدید مبارزه مسلحانه گردید.

■ دوران جهاد در سال‌های تجاوز شوروی

احمدشاه مسعود در سال‌های اشغال و تجاوز ارتش سرخ شوروی، به عنوان یک فرمانده استثنایی و منحصر به فرد در جهاد و مبارزه مسلحانه افغانستان تبارز کرد. او در این سال‌ها میان مردم و مجاهدین به «ام‌صاحب» معروف گردید و در وادی پنجشیر و بیرون از آن به‌ویژه در دو سوی هندوکش، به شخصیتی دوست‌داشتنی و بانفوذ مبدل شد. او در این دوران، جهاد و مقاومت مردمی را علیه اشغال شوروی و حکومت مورد حمایت آن‌ها، در مناطق تحت فرمان و نفوذ خود به جنگ منظم چریکی و سازمان‌یافته تبدیل کرد. او اندیشه و اندوخته‌های بسیاری را در عرصه این جنگ به کار بست و به عنوان تجارب ارزش‌مند مقاومت و دفاع در برابر استبداد و تجاوز به نسل‌های آینده جامعه انسانی، به میراث گذاشت. رویکرد و منابع اندیشه‌ها و اندوخته‌های او در جنگ، مطالعه تئوری و تجارب رهبران و شخصیت‌های مختلف انقلابی و نظامی جهان و تجارب خود و یاران هم‌رمز و هم‌سنگرش بود. او هیچ‌گاه در درازنای عمر خویش در مدرسه نظامی (به استثنای شرکت در یک کورس کوتاه تعلیمات نظامی در زمستان ۱۳۵۳ با جمعی از اعضای جریان اسلامی در پاکستان) داخل و خارج کشور، آموزش نظامی نیاموخت و در جنگی بیرون از وطن خود مشارکت نوزید.

احمدشاه مسعود با آغاز دوباره جنگ بعد از شکست و جراحی خودش در تابستان ۱۳۵۸ که با تجاوز قوای شوروی در زمستان این سال وارد مرحله جدید جهاد مسلحانه شد، کار را با انتخاب داوطلبانه افراد جوان و تعلیمات نظامی آن‌ها برای تداوم نبرد آغاز کرد. او در انتخاب نیروی رزمی‌یی که به مجاهدین شهرت یافتند، معیارهای معینی را در نظر می‌گرفت:

- به تجرد افراد ارجحیت داده می‌شد.
- توجه به عمل می‌آمد تا مجاهد یگانه فرزند پسر خانواده نباشد.
- اعتقاد دینی و اخلاقیات اسلامی افراد از موضوعات دیگر مورد عنایت در انتخاب نیروهای مجاهد بود. و پس از سربازگیری و انتخاب مجاهدین، آموزش و تعلیمات نظامی و سیاسی اعتقادی برای آن‌ها اجباری محسوب می‌شد.



استاد سیاف در مراسم گرامی داشت از دوازدهمین سالروز شهادت قهرمان ملی:

صلح با مزدور ممکن نیست

هارون مجیدی

از دوازدهمین سالروز شهادت قهرمان ملی افغانستان شهید احمدشاه مسعود و هفته شهید، روز گذشته با حضور رهبران جهادی، اعضای کابینه، نماینده گان شورای ملی، دیپلمات‌ها و سفرای کشورهای خارجی و هزاران تن از شهروندان کشور در خیمه لویه جرگه، گرامی داشت به عمل آمد. اشتراک‌کننده گان این محفل با شکوه، گرامی داشت از هفته شهید را نشانه‌ی ارج‌گذاری و پاس‌داری از مقام شهیدان آزاده کشور دانسته و گفته‌اند که این روز، روز میثاق و پیمان با آرمان‌ها و راه شهدای کشور است.

عنایت‌الله نظری معاون وزارت دفاع و رییس کمیسیون برگزاری مراسم بزرگداشت از هفته شهید و روز شهادت احمدشاه مسعود قهرمان طی سخنانی در این محفل گفت که افغانستان در مسیر روزگار دژ تسخیرناپذیری برای دشمنانش بوده است و فرزندان دلیر این مرز و بوم از آن دفاع کرده، درس آزاداندیشی را از خود به یادگار گذاشتند.

او افزود: «فرزندان دلیر این سرزمین به توکل به خداوند و حمایت مردم در دفاع از عزت و شرف وطن و اسلام عزیز، ایثار و فداکاری‌شان را به نمایش گذاشته‌اند و با قربانی‌های بی‌شمار در برابر تجاوز درس و پرچم آزاد اندیشی را همیشه در اهتزاز و زنده نگهداشته‌اند.»

رییس کمیسیون برگزاری هفته شهید با اشاره به شهادت شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور بیان داشت: «در ۱۸ سنبله سپه‌سالار و قافله‌سالار آزادی و آزادمنشی احمدشاه مسعود توسط عمال داخلی و خارجی به شهادت رسید و سوگ فراموش ناشدنی به درازنای تاریخ را بر قلب و روان مردمان این کشور گذاشت.»

در این حال، مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول رییس‌جمهور در این محفل گفت که مجاهدین این سرزمین در دو دوره دشوار، دوره حکومت کمونیستان و دوره سیاه حضور طالبان از این کشور دفاع کرده‌اند.

مارشال فهیم افزود: «مجاهدین بنا بر نبود ظرفیت لازم و دخالت بیگانه‌گان، در میان خود نتوانستند تا وحدت و یکپارچگی را حفظ کنند، همین‌جا بود که گروه سیاه طالبان ظهور کرد و با دادن شعارهای دروغین بالای مردم حاکم شدند.»

آقای فهیم همچنان افزود: «طالبان با حاکم‌شدن خود بالای مردم، شروع کردند به توهین، تحقیر و بی‌عزتی مردم و کسانی که بالای خاک و کشور و مردمان ما عقده داشتند، توسط همین گروه سیاه مردم ما را شلاق و قمچین زدند. در همین جا بود که مقاومت

ملی شروع شد و اگر این مقاومت آغاز نمی‌یافت افغانستان در دریای آمو دفن شده بود که مقاومت دوره دشوار و سخت این سرزمین بود و تنها کسی که با کمترین امکانات با روحیه قوی می‌رزید و امید می‌بخشید، امرصاحب شهید بود.»

مارشال با تصریح این‌که دشمنان افغانستان به این پنداشت بودند که اگر احمدشاه مسعود در میان ما نباشد، دست از مبارزه و عدالت‌خواهی برخواهیم داشت، بناً امر صاحب را شهید ساختند. او افزود: «دشمنان افغانستان با این فکر خود کور خوانده‌اند که مقاومت و مردانه‌گی را از مردمان این سرزمین سلب کنند.»

معاون اول ریاست‌جمهوری معتقد است که طالبان یک گروه مذکور هستند و تنها برای بدنام ساختن اسلام به میان آمده‌اند.

همچنان، عبدالروف ابراهیمی رییس مجلس نماینده‌گان نیز با یادآوری از رشادت‌ها و مبارزات مردم بیان داشت که آن‌ها با انجام این مبارزات از خاک و ناموس خود دفاع کردند.

او افزود: «تاریخ همواره نشان داده است که مردم سرزمین ما تا شکست ذلت‌بار دشمن، دست از پیکار و مبارزه بر نداشتند.»

عبدرب الرسول سیاف رهبر جهادی و یکی از سخنرانان این محفل، احمدشاه مسعود را الگوی میلیون‌ها نفر دانسته بیان کرد: «اکثر مردم می‌خواهند تا تاریخ مسعود را بخوانند، زنده‌گی او را سرمشق خود بسازند؛ در لباس مسعود شهید تبارز کنند، تا از ثبات قدم بهره‌مند شوند و این انتخابی خوب است.» استاد سیاف طالبان را گروه جنایت‌کار و خون‌خوار خوانده بیان داشت: «آن‌ها(طالبان) فکر کرده‌اند که با خون مردم ما کشتی‌شان به جنت می‌رود، من از قول پیامبر برای‌شان می‌گویم که گفته است: دوزخ دارای هفت دروازه است و یکی آن مخصوص کسانی است که بر روی مسلمانان شمشیر می‌کشند، آن‌ها بدانند که دروازه هفتم دوزخ در انتظارشان است.»

استاد سیاف سربازان ارتش، پولیس و امنیت ملی را محافظان واقعی کشور خواند.

او انتقادهای تندی از پروسه صلح و مذاکره با طالبان داشت. استاد سیاف گفت: «با مزدور مصالحه صورت گرفته نمی‌تواند، زیرا آن‌ها قادر به روبه‌رو شدن با ما نیستند، زیرا آن‌ها مزدور اند و ما آزاد.»

این رهبر جهادی با اشاره به آینده کشور افزود که در هر شرایطی افغانستان را ترک نخواهند کرد و در کنار مردم باقی خواهند ماند.

فضل‌هادی مسلمیار، رییس مجلس سنا در این مراسم از تمام رهبران و سیاست‌مداران افغانستان خواست تا بار دیگر زمینه ویرانی این کشور را فراهم نکنند: «وضعیت کنونی ایجاب می‌کند که سیاست‌مداران

افغانستان، رهبران جهادی و روشنفکران با بسیار احتیاط قدم بردارند و به جای منافع شخصی و فردی منافع ملی را ترجیح دهند.»

ستر جنرال عبدالرحیم وردک مشاور رییس‌جمهور با یادآوری از کارنامه‌های شهیدان گفت: «ما مردمان سربلندی هستیم که هیچ‌گاهی و هیچ‌فاتی نتوانسته است بر ما استیلا یابد، اجداد و نیاکان ما در طول تاریخ با سربلندی زنده‌گی کردند و از این مرز بوم حراست و پاس‌داری کردند.»

او افزود: «با رجوع به افکار شهدا و از آن میان شهید احمد شاه مسعود می‌توانیم کشور خود را از این بدبختی نجات بدهیم.»

از سوی دیگر، استاد قربان علی عرفانی نماینده مردم در مجلس شهید احمدشاه مسعود را یک مجاهد پارسا و با وفا خوانده افزود: «در دوران جهاد و مقاومت که من در خدمت‌شان بودم، آن‌ها را شناختم که با وجود همه مشکلات از خاک و مردم خود چگونه دفاع می‌کرد.»

او افزود: «یکی از ویژه‌گی‌های احمدشاه مسعود شهید این بوده که او بعد از شهادت‌اش هیچ‌گونه زرق و برق مادی از خود نگذاشته است. شخصیت احمدشاه مسعود دارای ایمان، وفا و داشتن عشق برای مردم و افغانستان بود.»

در این حال، احمد ولی مسعود رییس بنیاد شهید احمدشاه مسعود در این محفل بزرگ بیان‌داشت: «ما امروز از شهدایی که در راه حفظ وطن جان داده‌اند، یادآوری می‌کنیم، در کنار آن با شهیدشدن هر روز تعداد زیادی از افسران ارتش، پولیس و امنیت ملی آن‌ها نیز راه و درسی را برای آینده‌گان به یادگار می‌گذارند تا نسل‌های بعدی از رشادت‌ها و مبارزات‌شان یادآوری کنند و الگو بپذیرند.»

احمد ولی مسعود با بیان این‌که افغانستان در شرایط حساسی قرار دارد، گفت: «ما سال گذشته در همین روز به دولت افغانستان بیان کردیم که تنها دولت وحدت ملی می‌تواند حلال مشکلات باشد.»

او افزود: «ما امروز هم این صدای خود را بلند می‌کنیم که تمام اقشار افغانستان باید در محور دولت ملی با یک برنامه ملی و با یک زعامت ملی در نظام بعد ۲۰۱۴ می‌توانند زنده‌گی راحت داشته باشند.»

صداهای تن از شهروندان کشور که از ولایت‌های دور و نزدیک به‌خاطر شرکت در این مراسم به کابل آمده بودند، به‌دلیل نبود جای نتوانستند داخل خیمه لویه جرگه شوند. آن‌ها به‌همین دلیل، بر مسوولان برگزاری این مراسم اعتراض کردند.

از مراسم سالروز شهادت قهرمان ملی کشور، همه‌ساله به گونه گسترده در سراسر کشور گرامی‌داشت به عمل می‌آید.

گرامی داشت از کارنامه‌های...

دوست مقیم در مزارشریف، شماری از شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی ونیز برخی از فرماندهان جهادی شرکت کردند.

استاد عطا محمد نور والی بلخ نیز در پیامی گفته است: احمدشاه مسعود یک فرمانده متفکر و عالی دوره جهاد و مقاومت بود.

استاد عطا در پیامش بر اتحاد و همبستگی ملی میان مردم افغانستان تأکید کرده است.

والی بلخ قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود را یک فرمانده متفکر و عالی دوره جهاد و مقاومت عنوان کرد و افزود: وی در دوران جهاد از خود شایستگی و لیاقت نشان داده است.

در این حال، از ولایت‌های دیگر کشور نیز خبر می‌رسد که مردم از دوازدهمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور به گونه با شکوهی گرامی‌داشت به عمل آورده‌اند.

شهروندان کشور با ستایش از کارنامه‌های قهرمان ملی، بر ادامه راه او تأکید کرده‌اند.

مراسم گل‌گذاری

همچنان صبح دیروز مراسم رسمی گل‌گذاری در پای منار مقاومت در کابل با حضور معاونین رییس‌جمهور، اعضای کابینه، شخصیت‌های سیاسی و علاقه‌مندان قهرمان ملی برگزار گردید.

احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور در ۱۸ سنبله سال ۱۳۸۰ در ولسوالی خواجه بهاولدین تخار توسط دوتن از تروریستان عرب جام شهادت نوشید.

پول انرژی و لباس...

شرکت در مسابقات جنوب آسیا تشویق نشده‌اند.

او گفت، فوتبالیان افغان که در حال حاضر در نپال به سر می‌برند، از کمترین امکانات برخوردار نیستند.

آقای کارگر افزود، رییس‌جمهور کرسی در یک صحبت تبلیغی با او وعده کرده است که پس از برگشت فوتبالیان افغان به کشورشان بیست هزار دالر با آن‌ها کمک خواهد کرد.

اما مربی تیم ملی فوتبال افغانستان این کمک را کافی نمی‌داند. او می‌گوید: «اگر گروهی از اعضای هیأت رهبری دولت با ما در نپال می‌بود، این را می‌دیدند که تیم‌ها با چگونه امکانات و نیرو برای شرکت در این مسابقات آمده‌اند. آنها هیچ‌گونه مشکل مالی ندارند. ما همین توانمندی را نداریم تا در بیرون از هتل برای بچه‌ها انرژی و غذا بخریم.»

افغانستان به روز یکشنبه در یک بازی دیدنی و سرنوشت‌ساز تیم نپال را یک مقابل صفر شکست داد و به مرحله نهایی بازی‌های فوتبال جنوب آسیا راه یافت.

یوسف کارگر می‌گوید، که اگر نپال در این مسابقه برنده می‌شد، هر فوتبالی نپال یک اپارتمان دریافت می‌کردند.

در حالی که فوتبالیان افغان به شدت از آنچه بی‌توجهی حکومت و نهادهای مسوول نسبت به آنها می‌خوانند، انتقاد دارند، اما فدراسیون فوتبال افغانستان این انتقاد را نمی‌پذیرد. علی آغا زاده، سکر جنرال فدراسیون فوتبال افغانستان این سخنان فوتبالیان افغان را یک شایعه می‌داند:

«تمام مصارف آنها به شمول تکت طیاره و پول بود و باش‌شان تامین شده است. یک رویه هم از جیب خودشان مصرف نمی‌شود. فدراسیون فوتبال تمام لباس و سایل مورد نیاز فوتبالیان را تهیه کرده است.»

فوتبالیان افغانستان از سکتور خصوصی نیز گله دارند. آنها می‌گویند، انتظار داشتند تاجران افغان اقداماتی را از پیش به هدف تشویق شان روی دست می‌گرفتند.

در این حال، خان جان الکوزی، معاون اتاق تجارت و صنایع افغانستان می‌گوید، کوشش می‌کنند این ورزشکاران را مورد تشویق مادی قرار بدهند: «افتخار ملی ما هستند. ما بسیار خوشحال هستیم که فوتبالیان ما برنده شوند و دعا می‌کنیم تا پیروزی نصیب شان شود. ما با تاجران صحبت می‌کنیم تا این فوتبالیان را تشویق و کمک مالی کنند.»

قرار است تیم ملی فوتبال افغانستان به روز چهارشنبه در مرحله نهایی بازی‌های فوتبال جنوب آسیا وارد میدان رقابت شود.

نتیجه بازی امروز میان هند و مالدیف این را روشن می‌سازد که در مرحله نهایی افغانستان با کدام یک از این دو کشور مسابقه می‌کند.

یک عضو پیشین مجلس...

بیان اینکه حاجی عبدالغنی توسط ۳ نفر از مهاجمان که سوار بر موتر نوع (کرولا) بودند، کشته شده است، افزود: مهاجمان توانسته‌اند که از ساحه فرار کنند.

وی تصریح کرد: نیروهای امنیتی ساحه را تحت پوشش امنیتی قرار دارد و بررسی جدی در این رابطه آغاز شده است.

این در حالی است که در این اواخر نماینده‌گان مردم در مجلس و سنا هدف حمله افراد مسلح ناشناس و مخالفان مسلح دولت قرار گرفته‌اند که چندی قبل بر کاروان احمد شاه رمضان نیز در ولسوالی دوشی ولایت بغلان حمله صورت گرفته بود.

افغانستان اند، باید بدانند که پیش از افغانستان آن‌ها خود می‌شکنند و تجزیه می‌شوند.

استاد سیاف بر نقش مجاهدان تأکید کرده گفت، مشکلات افغانستان را همین سنگرداران می‌توانند حل می‌کنند.

او افزود، این مملکت «مفت آزاد نشده که مفت نگهداری شود؛ بنابراین کسانی که فکر می‌کنند بدون سنگرداران این کشور را حفظ خواهند کرد، اشتباه می‌کنند و باید بدانند که مشکلات افغانستان را غیر از این سنگرداران کسی دیگری حل نخواهد کرد. در این مراسم ده‌ها تن از مقام‌های حکومت و سفیران کشورهای خارجی شرکت کرده بودند.

شهید احمدشاه مسعود درست دوازده سال قبل از امروز در ۱۸ سنبله در ولسوالی خواجه بهاولدین ولایت تخار توسط دو تروریست که خود را خبرنگار معرفی کرده بودند به شهادت رسید.

از سالروز شهادت قهرمان ملی و هفته شهید همه ساله در داخل افغانستان و در شماری از کشورهای خارجی تجلیل به عمل می‌آید.

همایش گفت، سال گذشته و از همین تریون به دولت پیشنهاد کردیم که اگر سیاسیون در چهارچوب یک دولت ملی یکجا شوند، کشور از بحران‌های فعلی نجات خواهد یافت.

به گفته رییس بنیاد شهید مسعود، انتخابات هم می‌تواند به عنوان یک تهدید مطرح باشد و در عین حال اگر رهبران و بزرگان افغانستان تصمیم بگیرند، می‌توانند این تهدید را به یک فرصت تبدیل کنند.

او همچنان گفت که صلح پایدار به ایجاد حکومت قانون و تأمین عدالت اجتماعی در افغانستان ارتباط دارد.

او افزود، هیچ قوم، هیچ سمت و هیچ مردمی به تنهایی قادر نخواهند بود تا کشتی افغانستان را به ساحل ببرند، مگر این که یک همگرایی ملی ایجاد شود و تمام نخبه‌گان و سیاست‌مداران افغانستان در چهار چوب یک دولت ملی و در محور یک برنامه ملی مشکلات را حل کنند.

استاد عبدالرب رسول سیاف یکی از رهبران جهادی در این همایش گفت، آن‌هایی که در هوای تجزیه

کشور

پیروزی که میلیون ها افغان را غرق شادی کرد



تیم ملی فوتبال افغانستان، با پیروزی یک بر صفر در برابر نپال (میزبان) به مرحله نهایی مسابقات جام جنوب آسیا راه یافت تا در آن مرحله با برنده مسابقه هند و مالدیو روبرو شود.

افغانستان که تنها گل این بازی را، در دقیقه یازده توسط سنجر احمدی به ثمر رسانده بود، تا دقیقه هشتاد و هشت این نتیجه را حفظ کرد. در دقیقه هشتاد و هشت، داور حرکت منصور فقیریار دروازه بان افغانستان برای مهار توپ را خطا گرفت و حکم به پنالتی به نفع نپال داد.

دروازه بان افغانستان پنالتی را گرفت، اما داور ضربه را قبول نکرد و یک فرصت دیگر برای زدن پنالتی به نپالی ها داد، که این ضربه هم توسط دروازه بان افغانستان گرفته شد. در پایان نود دقیقه، داور سوم بازی، هفت دقیقه وقت تلف شده محاسبه کرد و کار افغانستان برای حفظ نتیجه مشکل شد.

بازیکنان تیم ملی افغانستان این هفت دقیقه را هم با مقاومت در برابر حملات حریف نپالی و یکی - دو فرصت حمله به دروازه نپال پشت سر گذاشتند و سرانجام بازی نیمه نهایی

جام جنوب آسیا (SAFF) را با نتیجه یک بر صفر به نفع خود به پایان رساندند.

با این نتیجه، افغانستان به مرحله نهایی راه یافت تا برای به دست آوردن عنوان قهرمانی جام جنوب آسیا، با برنده دیدار هند و مالدیو مسابقه دهد.

افغانستان در مرحله گروهی این بازی ها تیم های بوتان و سریلانکا را شکست داد و با مالدیو مساوی کرد و جایگاه دوم گروه B را بدست آورد.

بازیکنان نپال پس از گل افغانستان حملات خود را بر دروازه افغانستان تشدید کردند و چندین موقعیت گل زنی ایجاد کردند اما منصور فقیریار دروازه بان افغانستان به آنها فرصت نداد این موقعیت ها را به گل تبدیل کنند.

مصدمیت مدافع افغانستان

در دقیقه ۵۲ بازی، فرزاد غلام عطایی، مدافع تیم افغانستان در اثر یک ضربه شدید به سرش مصدوم شد.

او ظاهر در داخل میدان از هوش رفت و تیم عاجل پزشکی او را به بیمارستان منتقل کرد.

مسئولان فدراسیون فوتبال افغانستان وضعیت صحی آقای عطایی را خوب گزارش داده اند.

نایب قهرمانی در سال ۲۰۱۱

تیم ملی فوتبال افغانستان با کسب مقام نایب قهرمانی در دوره گذشته این مسابقات در سال ۲۰۱۱ به عنوان تیم اول گروه دوم شناخته شد.

تیم ملی افغانستان در هفتمین دوره این رقابتها در سال ۲۰۱۱ که در شهر دهلی جدید هندوستان برگزار شد با شکست

و ظهور علل های گوناگونی را در قلمرو های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور باعث شده است. «تجارت خانه» سازی تحصیلات عالی خصوصی است.

با توجه به این که بخش دولتی از نظر بازار کار به حالت اشباع رسیده است. بنابر این تحصیلات عالی خصوصی نیازمند فضا های شغلی جدید هستند که اکثر این فضا های جدید در دنیا شرکت های خصوصی و کمپنی های چند ملیتی هستند.

در افغانستان هزار ها کارمند خارجی به نام «کارمندان ماهر» در شرکت ها و موسسات بین المللی مشغول کار هستند. دلیل بخش از موجودیت کارمندان خارجی این است که فارغ التحصیلان دانشگاه های ما از مهارت های لازم برخوردار نیستند. اما دلیل اصلی، سیاست ضعیف وزارت کار و امور اجتماعی افغانستان با ارتباط کارگران خارجی است.

آن قدر غبار و تیره گی در فضای کیفی دانشگاه های خصوصی وجود دارد که صافی کردن آن غبار بدون اصلاحات ساختاری و محتوایی ناممکن است.

کشور های مختلف روش های مختلفی را برای ارتقا کیفیت تحصیلات عالی به کار می برند. مثلا ویتنام سیر انکشاف تحصیلات عالی را از امروز (۲۰۱۳) تا ۲۰۲۰ کند می سازد. این به این معنا است که از امروز تا اخیر این دهه نه کدام افزایش در تعداد محصلان و نه افزایش در تعداد محصلان صورت می گیرد (UWN # July 20, 2013).

اما یکی از این روش های موفق «ادغام» است. ادغام دانشگاه ها یکی از وسایل مهم برای کاهش امور موازی و اصلاحات دانشگاه ها می باشد. در طی دو دهه اخیر کشور های استرالیا، افریقای جنوبی، انگلستان، ناروی و چین از طریق ادغامها (Merger) به اصلاحات خوبی دست یافته اند.

در میان این کشور ها تجربه چین بسیار موفق بوده است. چنانچه روسیه از تجارب چین در بازسازی نظام تحصیلات عالی خود استفاده کرده است. سه ربع دانشگاه های طراز اول چین نتایج این ادغام ها می باشند.

جمیل سالمی در کتاب «چالش ایجاد دانشگاه های رتبه جهانی» (چاپ ۲۰۰۹) می نویسد: ادغام دانشگاه های موجود یکی از استراتژی های ایجاد دانشگاه ها به رتبه جهانی می باشد (University World News # March 26, 2013).

ایسنا به نقل از یونیورسٹی ور ور لندنور می نویسد: کشور قزاقستان آیین نامه ادغام را به تصویب رسانیده است که در اثر ادغامها از مجموع ۱۴۰ دانشگاه تنها ۵۰ دانشگاه باقی می ماند (ایسنا، ۱۷ اسد ۱۳۹۲).

کلام آخر:

یکی از روش های بلند بردن کیفیت تحصیلات عالی خصوصی در افغانستان ادغام است. اما قبل از ادغام سمیناری در باره ابعاد مختلف ادغام و مدل های ادغام دایر گردد در ادغامها نباید شتاب زده عمل کرد و نهادی را که شش، هفت سال فعالیت کرده یک شبه تعطیل کرد. ادغامها باید به صورت تدریجی باشد.

شایان ذکر است که برخی از دانشگاه های خصوصی به عنوان یک نهاد دانشگاهی عمل نمی کند بلکه به عنوان جایگزین حزب از آن استفاده می شود (از نام بردن آن ها معذورم). در عین زمان برخی دانشگاه های خصوصی عناوین تبلیغاتی دارند که باید آن را حذف کرد.

برنامه «آموزش برای همگان» بونسکو می گوید: یکی از دلایل بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه ها نداشتن تخصص و مهارت های لازم در بازار کار است (UWN, January 17, 2013).

فارغ التحصیلان دانشگاه های خصوصی (همچنین دولتی) افغانستان به دلیل عدم استفاده از تخصص خود در حال از دست دادن این تخصص ها هستند و اگر در آینده نزدیک بازار کار بهبود نیابد این افراد نه تنها بدون کار خواهد ماند بلکه به خاطر از دست دادن تخصصی که کسب کرده اند، قابل استخدام نخواهند بود. این یک ضایعه بزرگ سرمایه فرهنگی و اقتصادی خواهد بود.

برنامه دکتورا:

شماری از دانشگاه های خصوصی حتابرنامه دکتورا را مطرح کرده اند. ای کاش این دانشگاه ها بر اساس شاخص های بین المللی عددی را نشان می داد که برنامه لیسانس و ماستری شان به حداقل معیار اکادمیک در منطقه رسیده است. از معیارهای ارتقا تحصیلات عالی از یک سطح به سطح بالا تر کیفیت تحصیلی سطح کنونی است. یکی از این شاخص ها تعداد فارغ التحصیلان و اشتغال آن ها بوده و شاخص دیگر استاد است.

برنامه دکتورا در چار چوب «دانشگاه مدرن» که مفهومی متفاوت با دید گاه سنتی ما نسبت به دانشگاه دارد، واجد تعریفی خاص است. اگر هدف دانشگاه تولید علم و حل مشکلات جامعه باشد با تأسیس این گونه دانشگاه ها حل نخواهد شد. دانشجویان کاندیدای دکتورا باید با همکاری محققان پست دکتورا (Post-doctorate) و زیر نظر استادی که توان حل مسأله را دارد، کار کند. این در حال است که جای چنین استنادی در دانشگاه های خصوصی خالی است.

پس بدون داشتن بنیه علم معیار و داشتن صلاحیت های لازم علمی یا نهادن به پله های بلند تر تحصیلی (مخصوصا برنامه دکتورا) کار اشتباه و کمک به ترویج تبلی و نشان گر یک فاجعه در نظام تحصیلات عالی خصوصی کشور است. این گونه دانشگاه ها که کلاس های ۲۰ یا ۳۰ نفری تشکیل می دهند و دیپلوم های بی پشتوانه ارایه می دهند چنان نظام تحصیلی کشور را بد نام می کنند که در دنیا دانشگاه های خوبی دولتی ما را هم زیر سؤال می برد.

اصلاحات

دانشگاه خصوصی با سپری کردن یک دهه از فعالیت های خود در آستانه ورود به دهه دوم است. تعداد تحصیلات عالی خصوصی از صفر در سال ۱۳۸۲ به ۷۷ در سال ۱۳۹۲ و تعداد دانشجویان آن از صفر در سال ۱۳۸۲ به ۶۰ هزار در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است. اما همه این ها تنها روی سکه است. روی دیگر سکه را باید در شاخص های کیفی دید: کیفیت پایین.

تعداد دانشگاه های خصوصی که در زمینه های بلند بردن کیفیت تحصیلی موفق بوده اند به سختی به تعداد انگشتان دو دست می رسد. متبانی هنوز هم کمیت محور است. کیفیت پایین این دانشگاه ها را نه تنها نخبگان بلکه مردم کوچک و بازار بهتر از همه درک می کنند.

می توان برای کیفیت پایین تحصیلات عالی کشور علل بی شماری را احصا کرد. اما آنچه مهم است فهمیدن علت بنیادین کیفیت پایین در کشور است که خود موجبات پیدایش

بازار داغ دانشگاه سازی...

از جوانان تحصیل کرده و بیکار می شوند که توان مهارت های لازم را برای ورود به بازار کار یا کار آفرینی را ندارند.

۱) پولی شدن دانشگاه

دانشگاه های خصوصی که اکثراً توسط سرمایه داران ایجاد می شوند یک نوع تجارت در سکتور علمی است. مدیریت جامعه نیز در صورت پولی شدن تحصیلات عالی خصوصی به دست سرمایه داران خواهد افتاد. از سوی دیگر، در برخی شهر ها با تراکم دانشگاه های خصوصی رو به رو هستیم و در نقاط دیگر هیچ دانشگاه نداریم. این در حالی است که روستا زاده ها به آن ها نه از لحاظ جغرافیایی و نه از لحاظ مالی دسترسی دارند. زیرا فیس دانشجویان در یک سال اکادمیک از در آمد یک خانواده بی فقیر روستایی در طول همان سال بیشتر است نیاز به حساب و کتاب خاصی ندارد. بگذارید مصارف قرطاسیه، نان، کرایه اتاق و کرایه موتر را.

همچنین پولی شدن دانشگاه باعث مقروض شدن پیش از پیش والدین دانشجویان خواهد شد، امری که در زندگی بخور و نمیر آن ها نقش منفی خواهد داشت.

تحصیلات عالی خصوصی به سمتی در حرکت است که فقط استادان مکتب ناخوانده و سرمایه داران دیپلوم دار خواهند شد. در میان ملا ها هم تب دیپلوم دار شدن بسیار بالا است. اکنون آن ها در نظر دارند تا جامعه لیسانس، ماستر و حتا داکتر را به قامت شیخ الاسلام و حجت الاسلام بدوزند.

۲) بیکاری:

ما نمی توانیم بحث تحصیلات عالی خصوصی را از بازار کار جدا تحلیل کنیم. اکثر موسسات تحصیلات عالی خصوصی در رشته های علوم انسانی مشبوع شده است. این در حالی است که کمبود افراد تحصیل کرده در رشته های هم چون زراعت، و ترنری، معدن و معلمین ساینس (ریاضی، فزیک، کیمیا، بیولوژی) در این کشور به چشم می خورد. امروز جایگاه علم تجربه بی (Science) در اکثر موسسات تحصیلات عالی خصوصی خالی است. این در حالی است که جامعه امروز را به نام جامعه علم زدگی (Siencetism) یاد می کنند.

پروفیسور جرارد پوستیگ لیون (Gerard Postiglione) استاد دانشگاه هانگ کانگ می گوید: در کشور های آسیایی دانشجویان بیشتر در دانشکده های ساینسی جذب می شوند نه علوم اجتماعی (UWN, January 17, 2013).

آشکار است که رشته های تحصیلی با تحولات اجتماعی، اقتصادی و تکنالوجیکی تحول می گردد. به عنوان مثال، امروز دانشگاه های امریکا در رشته های ساینس، تکنالوژی، انجنیری و ریاضی که اختصاراً به نام STEM یاد می گردد متمرکز گردیده اند (The Tampa Tribune, May 4, 2013, p. 1, 16).

آموزش تمامی فکتور های رشته آموزشی اعم از رشته های آموزشی (آن چه یاد می گردید)، نحوه آموزش (چگونگی یادگیری) و ارزیابی آموزش (چگونگی اثبات آموخته ها) در هر دوره آموزشی در نظر گرفته می شود.

امروز تعداد زیادی از فاکولته پاسرها به دلیل ضعف مهارت های کاری یا بیکار اند یا در کار های مشغول اند که با رشته تحصیلی شان هیچ ارتباط ندارند.

نیکولاس بارنیت (Nicholas Burnnet) مدیر پیشین

جنگ قومی را در افغانستان...

در گذشته این کار را کردیم.

صدیقی در مصاحبه با خبرگزاری اوسوئید پرس در پاکستان گفت که طالبان تاکنون کمک نخواسته اند.

صدیقی در پاسخ به این پرسش که آیا جنگجویان پنجابی برای جنگ در افغانستان پس از خروج نیروهای خارجی آماده می شوند، گفت: «یقیناً».

حسین می گوید: «حتا اگر یک ثبات و قرار [سیاسی] در افغانستان حاکم شود، افراد زیادی هستند که جنگ در آنجا را ادامه خواهند داد؛ کسانی که غالباً در برابر قرار [سیاسی] مقاومت می کنند جنگجویان پاکستانی هستند». حسین همچنان می افزاید که در سفر اخیرش به وزیرستان شمالی، رهبران قبایلی از سرازیر شدن موجی از جنگجویان پنجابی به منطقه، به او خبر دادند.

این در حالی است که حکومت ملکی پاکستان وعده سپرده است تا با جنگجویانی که باعث مرگ ۴۰ هزار پاکستانی شدند، مقابله می کند. نوازشریف، نخست وزیر پاکستان ماه گذشته در یک مصاحبه تلویزیونی از ناتوانی پاکستان «در محدود ساختن شورشیان و حتا شناسایی آنان، یافتن پناهگاه ها و دستگیری آنان» ابراز تأسف کرد. اما او گفت که «پاکستان دیگر نمی تواند در برابر این مساله صبور باشد».

مادامی که شریف «عدم کفایت و عدم حساسیت» را دلیل این مسأله می داند، تحلیلگران حکومت را متهم می کنند که اراده سیاسی برای مقابله با شورشیان را ندارد. آنان می گویند که حزب محافظه کار «مسلم لیگ» که ایالت پنجاب را اداره می کند، شورشیان را به حال خود رها کرده است.

عایشه صدیقی، تحلیلگر امور دفاعی در شهر «بهاولپور» در جنوب ایالت پنجاب می گوید که در این شهر حزب «جیش محمد» که با القاعده ارتباط دارد، در حال گسترش مراکز خود است و ساختمان های بزرگی را به مدارس مذهبی اختصاص داده است.

خانم صدیقی می گوید که این گروه منطقه را تدریجاً (رادیکال) کرده است و رهبر آن، اظهر محسود که در سال ۱۹۹۹ از زندانی در هند رها شد، آزادانه در منطقه می گردد. اظهر محسود با یک هواپیمای رپوده شده هندی، تبادل شده.

صدیقی همچنان خاطر نشان می کند که جنگجویان پنجابی برای جنگ در افغانستان و مسئله حضور غربی ها در منطقه حیاتی هستند. او می گوید: «این تنها به خاطر حضور خارجی ها در یک کشور مسلمان نیست؛ بلکه بخشی از یک جنگ بزرگتر برای برقراری اسلام بر اساس تعبیر و تصور خودشان است».

داکتر سیمبل خان، کارشناس امنیت منطقه ای در «انستیتوت تحقیقات پالیسی» در اسلام آباد می گوید که پاکستان نمی خواهد افغانستان به دهه ۱۹۹۰ و جنگ های داخلی برگردد. او می گوید: «ما می دانیم آنان (شورشیان) کجا هستند. ما می توانیم منطقه را بمباران و مسطح کنیم. ممکن است این مسئله مشکل افغانستان را حل کند، اما نتیجه اش چه خواهد بود؟ ما شاید بتوانیم مشکل افغانستان را حل کنیم اما مشکل ما بدتر خواهد شد».

Mandegar

دلیلی در کانکور ناکام شده اند و قابل قبول در دانشگاه‌های دولتی نیستند در دانشگاه‌های خصوصی با پرداخت پول پذیرفته می‌شوند.

در بسیاری از کشورها، دانشگاه‌های خصوصی تابع قوانین و مقررات وزارت تحصیلات عالی نمی‌باشند و با مصوبات هیأت های امناء (Board of Trustees) خود شان اداره می‌شوند.

رؤسای دانشگاه‌های خصوصی نایجریا (Nigeria) تأکید دارند که این دانشگاه‌ها نیز به اندازه دانشگاه‌های دولتی برای تربیت نیروی متخصص و ایجاد مهارت‌های مورد نیاز کشور تلاش می‌کند و استحقاق دریافت بودجه دولتی را دارند (UWN # 281 July 20, 2013). در همین رابطه بولا اجیوبلا (Bola Ajibola) رییس دانشگاه خصوصی آبهوکوتا هشدار داده است وقتی که دولت به دانشگاه‌های خصوصی کمک نمی‌کند حق نظارت (Supervision) بر دانشگاه‌های خصوصی را هم ندارد.

دانشگاه یا تجارت‌گاه:

افزایش ناگهانی جمعیت متعلمان از ۷۰۰ هزار در سال ۱۳۸۱ به ۳ میلیون دانش آموز در سال ۱۳۹۲ (بی بی سی، ۳ حمل ۱۳۹۲) یکی از دلایل برای گسترش بازار داغ تحصیلات عالی خصوصی در کشور است.

ظرفیت پایین دانشگاه‌های دولتی در جذب فراغان مکاتب و وجود هزار ها جوان مشتاق به تحصیل موجب شد تا بخش خصوصی نیز مشتاق حضور در بازار تحصیلات عالی شود. اما شماری از دانشگاه‌های خصوصی فقط به منظور در آمد بیشتر و بدون در نظر گرفتن تسهیلات و معیارهای مناسب تحصیلی دانشجو می‌پذیرد که استاد سید مسعود استاد دانشگاه کابل این نوع دانشگاه‌ها را «تجارت‌خانه» خوانده است (مسعود، افغان پیپر، ۴ حمل ۱۳۹۲). هم‌چنان پوهاند دکتور عبیدالله عبید وزیر تحصیلات عالی در کنفرانس ایجاد اتحادیه بازرسان مالی گفته است: برخی از این موسسات (تحصیلات عالی خصوصی) «تنها برای جمع کردن پول» فعالیت می‌کند و متوجه آینده جوانان این کشور نیستند (بی بی سی ۲۶ اشد ۱۳۹۲ مطابق ۱۷ اگست ۲۰۱۳).

پیامد ها:

اما تعداد زیاد دانشگاه‌های خصوصی در نهایت آسیب‌های را نیز به ارمان می‌آورد. مهم‌ترین این آسیب‌ها پولی شدن دانشگاه‌ها و اشباع و لبریز شدن جامعه... ادامه صفحه ۷

بازار داغ دانشگاه‌سازی در افغانستان

پوهاند دکتور سید امیرشاه حسینیار

پیشگفتار:

رشد تحصیلات عالی خصوصی در افغانستان در یک دهه اخیر سریع‌ترین رشد دانشگاه‌های خصوصی در منطقه بوده است.

تعداد کل نهادهای تحصیلات عالی خصوصی از صفر در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) به ۷۷ در سال ۱۳۹۲ رسیده است (نور بخش، افغان پیپر، ۵ حمل ۱۳۹۲). این در حالی است که مصر با جمعیت ۸۵ میلیونی ۱۸ دانشگاه خصوصی، سنگاپور با همه پیشرفت‌های علمی‌اش ۵ دانشگاه خصوصی، عربستان سعودی ۹، کویت ۴ و عراق ۱۸ دانشگاه خصوصی دارند، UWN شماره (۲۶۹) ۴ می ۲۰۱۳، سایت گوگل، دوم اگست ۲۰۱۳.

بهترین واژه‌هایی که می‌توان برای دانشگاه‌های خصوصی برگزید واژه «انقلاب» است. اما «انقلاب سیاسی» نه «انقلاب دانشگاهی». زیرا این انقلاب با مبانی اولیه دانشگاهی هیچ سازگاری ندارد. رشد دانشگاهی کار یک شبه، یک‌ساله و ده ساله نیست بلکه نیاز به سال‌های دراز دارد. رشد دانشگاهی یک روند گام به گام، مستمر و زمان پرور است (زمان پرور را در این جا در برابر واژه تکامل آورده ام، اما نه تیوری «کامل» داروین).

این نوشته به رشد بی رویه تحصیلات عالی خصوصی اشاره و بر پیامد های آن تمرکز می‌کند.

تعریف دانشگاه:

اصطلاح دانشگاه معادل لفظ یونیورسیتی (University) در زبان انگلیسی است. کلمه یونیورسیتی از زبان لاتین «Universitas Magistorum et Scholarium» مشتق گردیده که معنی آن «جامعه نخبگان» است. کلمه Universitas به زبان‌های دیگر ترجمه دقیقی ندارد. دانشگاه را در فرهنگ‌های لغت این گونه تعریف کرده اند. نهادی برای تحصیلات عالی که سه ویژگی بنیادین دارد: (۱) داشتن دانشکده (به انگلیسی: College) در رشته‌های



وسيله بخش خصوصی تأمین اعتبار می‌گردد. برخی دانشگاه‌های خصوصی غیر انتفاعی (non-profit) و برخی دیگر انتفاعی (profit) یا تجارتي هستند.

اگر دانشگاه خصوصی در آمدی کسب می‌کند، که مصداق «رانت اقتصادی» است. و اگر این دانشگاه جایگزین احزابی یا بنیادی شود نمونه‌یی از «رانت سیاسی» می‌شود. در عین حال با توجه به این‌که تحت آموزش تفکر سیاسی قرار می‌گیرند، می‌توان عنوان «رانت فرهنگی» و اجتماعی را نیز بر آن اطلاق کرد.

خصوصی به معنای رهایی این نهاد ها از قید و بند های دست و پاگیر دولتی است. به عبارت دیگر دانشگاه‌های دولتی کار خودش را انجام دهد و دانشگاه‌های خصوصی جدا از دولت کار خودش را انجام دهد. اما در افغانستان دانشگاه‌های خصوصی تقریباً نیمه دولتی (Semi-State) است. با این تفاوت که دانشگاه خصوصی از شاگردان فیس یا پول می‌گیرند و دانشگاه دولتی مجانی است. تفاوت دیگر این دو نهاد در جذب محصلان است. جوانانی که به هر

مختلف دانش.

(۲) تسهیلات و زیر ساخت‌های لازم برای تدریس و تحقیق. (۳) درجه آموزشی به استادان (مستر، دکتورا) و دانشجویان (لیسانس و...).

مدت اتمام دوره لیسانس بطور عادی چهار سال است و دانشجویان باید طی این چهار سال ۱۳۰ کردیت (واحد درسی) را تکمیل نمایند.

وظیفه هر دانشگاه عبارت از تحقیق و تدریس، جهانی سازی، انتقال دانش (داد و ستد علمی)، آموختن و یاد گیری و همکاری‌های علمی با نهاد های مشابه منطقه‌یی (UWN, # April 20, 2013).

دانشگاه خصوصی:

دانشگاه‌ها بر دو نوع اند. یکی دولتی (State University) و دیگری خصوصی (Private University).

دانشگاه خصوصی بر خلاف دانشگاه دولتی، معمولاً هیچ‌گونه کمک‌های مالی از طریق دولت و یا سازمان‌های وابسته به دولت برای امور اداری و زیربنایی دریافت نمی‌کند و تنها به

برنامه‌ریزی تازه جنگجویان پاکستانی:

جنگ قومی را در افغانستان در می‌دهیم



جنگجویان پاکستانی می‌گویند که قصد دارند آموزش نظامی ببینند تا پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان، در جنگ قومی احتمالی در این کشور بچنگند.

متصور محسود، رییس موسسه پژوهشی «فاتا» در اسلام آباد می‌گوید که شمار جنگجویان مستقر در پنجاب در دو سال گذشته سه برابر شده و به هزاران تن رسیده است.

به گزارش دوپچه وله، موسسه «فاتا» گروه‌های جنگجو در مناطق قبایلی پاکستان را مطالعه می‌کند. افغانستان ۲۶۰۰ کیلومتر با پاکستان مرز مشترک دارد.

محسود که خود نیز از منطقه وزیرستان جنوبی است، می‌گوید که بیش از ۱۵۰ گروه جنگجو در مناطق قبایلی، به ویژه در کوه های وزیرستان شمالی فعال هستند؛ جایی که ایالات متحده فکر می‌کند ایمن الظواهری، رهبر القاعده نیز آنجا مخفی شده است.

محسود می‌گوید: «پیش از این، آنان چندان مشهور نبودند؛ اما در دو یا سه سال گذشته صدها تن از پنجاب آمدند». او می‌افزاید: «هر کس می‌داند که وقتی ناتو و نیروهای امریکایی افغانستان را ترک کند، بین پشتون‌ها و غیر پشتون‌ها جنگ در خواهد گرفت». احمد ضیا صدیقی، یک عضو ارشد لشکر جنگوی نیز می‌گوید: «ما به افغانستان خواهیم رفت تا در کنار طالبان بچنگیم؛ همان طور که... ادامه صفحه ۷

www.mandegardaily.com



MandegarDailyNews



روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰